



شهردار تبریز خبر داد:
اجرای ۵۷ رشته
مسیر گشایی جدید در
دوره فعلی مدیریت شهری
در صفحه ۸

چهارشنبه ۲۳ مهر ماه ۱۴۰۲ سال نوزدهم شماره ۳۴۲۱ قیمت ۵۰۰۰ تومان

طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

۲ سرمقاله

نقد یک دعوت و تصمیم عقلانی ایران

شرم‌الشیخ؛ دعوتی مشکوک به میزبانی وابستگان

طرح نو؛ سردبیر

سردبیر: دعوت از جمهوری اسلامی ایران برای حضور در نشست «شرم‌الشیخ» مصر، که با اهداف اعلام شده‌ی اعضای صلح میان رژیم اسرائیل و جنبش مقاومت حماس برگزار شد، بلافاصله محافل سیاسی داخلی و رسانه‌ای کشور را دچار یک دوگانگی تحلیلی جدی کرد؛ ضرورت حضور برای تأثیرگذاری مستقیم، یا عدم حضور به مثابه حفظ کرامت و استقلال راهبردی!

این مقاله استدلال می‌کند که دیدگاه طرفداران حضور ایران در چنین محفلی، فارغ از حسن نیت احتمالی، یا ریشه در ضعف بنیادین در درک سیاسی و تحلیل ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی دارد، و یا، در بدبینانه‌ترین حالت، عاملان در مسیر تحقق اهداف غرب برای مشروعیت‌بخشی به نمایش‌های قدرت آمریکایی گام برمی‌دارد.

نگاهی دقیق به لیست شرکت‌کنندگان و دستور کار پنهان نشست، به وضوح نشان می‌دهد که این رویداد، یک گردهمایی...

۲ گزارش

بررسی پیشنهاد صلح ترامپ به ایران در شرم‌الشیخ؛

نمایشی برای حفظ برتری آمریکا

طرح نو؛ سردبیر

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با سابقه‌های طولانی در استفاده از صحنه‌های بزرگ بین‌المللی برای اهداف سیاسی داخلی و خارجی، در نشست شرم‌الشیخ نیز پیشنهاد گفت‌وگو با ایران را مطرح کرد. این اقدام، در نگاه تحلیلگران، بیش از آنکه تلاشی برای صلح پایدار باشد، یک مانور تبلیغاتی است. ترامپ می‌خواهد این پیام را مخابره کند که «جهان بدون رهبری آمریکا فلج است» و او تنها ناجی بحران‌هاست. این تئاتر سیاسی در سایه‌ی محاسبات دقیق ژئوپلیتیکی او شکل می‌گیرد که هدف نهایی آن نه حل بحران، بلکه حفظ حداکثری مزیت استراتژیک و قدرت چانه‌زنی واشنگتن است.

ترامپ و تئاتر سیاست خارجی

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، برخلاف روسای جمهور سنتی که ترجیح می‌دادند دیپلماسی در پشت پرده انجام شود، همواره از تریبون‌های عمومی و صحنه‌های بین‌المللی به عنوان ابزاری قدرتمند برای مدیریت افکار عمومی و اعمال فشار استفاده کرده است. این رویکرد، که می‌توان آن را «تئاتر سیاست خارجی» نامید، هسته اصلی سبک کاری اوست.

ترامپ عاشق نمایش‌های بزرگ است. از بحران و نزوئلا گرفته تا وضعیت افغانستان، از نیکاراگوئه تا شبه‌قاره هند، از اروپای شرقی تا مناطق دوردستی چون گرینلند و کانادا و پاناما؛ او همواره خود را در مرکز توجه و ...

۱ گزارش

در آیین بزرگداشت روز حافظ در بنیاد پژوهشی شهریار تبریز مطرح شد:

تبریزی‌ها نخستین نسخه مصحح از دیوان حافظ را چاپ کردند

۳ ورزش

برد بزرگ تراکتور در فیفادی؛ باز گشت ستاره

در آیین بزرگداشت روز حافظ در بنیاد پژوهشی شهریار تبریز مطرح شد:

تبریزی‌ها نخستین نسخه مصحح از دیوان حافظ را چاپ کردند

در شعر حافظ از موضوعات مهم بررسی شده در پژوهش‌های دانشگاه تبریز است. او در ادامه به بررسی آماری تحقیقات حافظ‌پژوهی در دهه‌های مختلف در دانشگاه تبریز اشاره کرد و گفت: «از مجموع تحقیقات حافظ‌پژوهی در دانشگاه تبریز ۱۸ درصد از در دهه ۵۰ سی، ۶٫۵ درصد در دهه ۶۰ چهل، ۲ درصد در دهه ۷۰ پنجاه، ۲ درصد دهه ۸۰ شصت، ۱۵٫۹ درصد در دهه ۹۰ هفتاد، ۲۰٫۵ درصد در دهه ۸۰ هشتاد، ۲۵ درصد در دهه ۹۰ نود و ۹ درصد در نیم نیم دهه اول قرن حاضر صورت گرفته است.» این استاد دانشگاه تبریز در ادامه به نقش مهم دکتر امین پاشا اجلائی در تدریس درس حافظ در دانشگاه تبریز تأکید کرد و به نکاتی که این استاد برجسته رشته زبان و ادبیات فارسی در کلاس‌های خود بیان می‌کرد اشاره کرد. دکتر اسدالله واحد در این نشست ابیاتی از حافظ را با رویکرد و نکته‌یابی‌های دکتر امین پاشا اجلائی مورد تحلیل قرار داد.

نقش آذربایجان در تکوین و پیشبرد حوزه‌های حافظ‌پژوهی، حائز اهمیت است

دکتر یحیی نورالدینی سومین سخنران این مراسم بود که سخنان خود را با معرفی کتاب «نقش آذربایجان در تکوین و پیشبرد حوزه‌های حافظ‌پژوهی» که برگرفته از رساله دکتری اوست آغاز کرد. او فعالیت حافظ‌پژوهان آذربایجان را در قالب نسخه‌شناسی، تصحیح دیوان، تاریخ عصر و شرح حال حافظ و معاصرانش، طبقه‌بندی اشعار، فرهنگ بسامدی واژه‌ها، اندیشه و عرفان حافظ، ویژگی‌های ادبی و بلاغی شعر او، شرح اشارات و مفردات و ترکیبات، شرح تمام غزلیات یا شرح ابیات بحث برانگیز، مشکلات و معانی ساختار بیانی حافظ، تأثیر و تأثر حافظ از و بر دیگر شاعران و تحلیل شعر حافظ بر مبنای نظریه‌های ادبی جدید طبقه‌بندی کرد. وی تصریح کرد این مطالعات قبلاً به صورت روشمند و در یک جا گردآوری نشده بود که در این کتاب جمع آوری شد. این کتاب، حافظ‌پژوهی آذربایجان رو از دو منظر تاریخی و متن‌پژوهی مورد بررسی قرار گرفته است. در منظر تاریخی متن‌پژوهی از دوره قاجار شروع می‌شود و تا دهه بیست شمسی ادامه پیدا می‌کند. دوره دوم که با غلبه تاریخ‌نگاری و نوجویی در افکار و اندیشه حافظ بود از اواخر دهه بیست شمسی تا انقلاب اسلامی را در بر می‌گیرد. در دوره سوم که از انقلاب تا سال ۱۳۹۴ را در بر می‌گیرد غلبه با تصحیح انتقادی و علمی متون است و بررسی گسترده افق‌های فکری حافظ و جزئی‌نگری در ابیات و اتفاق می‌افتد. در منظر دوم که متن‌پژوهی است تصحیحات و چاپ‌های دیوان حافظ معرفی شده است. وی در ادامه به بررسی و معرفی این متون پرداخت.



حافظ‌پژوهی که در دانشگاه تبریز خدمت کرده‌اند نام برد و منوچهر مرتضوی و رشید عبوسی را برجسته‌ترین چهره‌های این حوزه به شمار آورد. وی درباره تلاش‌های آذربایجانی‌ها در خدمت به فرهنگ و ادب ایران به سخن استاد راشد محصل اشاره کرد که گفته است: «آذربایجانی‌ها خوب کار می‌کنند و برای خدا کار می‌کنند.» دکتر واحد در ادامه سخنان خود به نقش برجسته پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی که در دانشگاه تبریز در حوزه حافظ‌پژوهی تألیف شده‌اند اشاره کرد و این آثار را میراث ارجمند دانشگاه تبریز خواند. وی درباره موضوع پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها گفت: «بخش مهمی از این آثار در حوزه ادبیات تطبیقی تألیف شده‌اند. بخش دیگر این تحقیقات در حوزه تأثیرگذاری بوده که می‌توان به عنوانی چون بررسی تأثیر حافظ بر شاعران دیگر از جمله صائب و نیز تأثر او از شاعران آذربایجان، تأثیر او بر ادبیات عثمانی، موضوعات دیگر همچون نقد و جمال‌شناسی شعر حافظ، دستور زبان در شعر حافظ، تعقیب مسائل دیوانی در شعر حافظ، موسیقی شعر حافظ و... مهم‌ترین موضوعات کار شده در حوزه حافظ‌پژوهی در دانشگاه تبریز است. همچنین بررسی اختلاف قرائت در دیوان حافظ و نیز مساله خردگریزی

کتابت شده متعلق به او بوده. این پژوهشگر همچنین از میرزا عبدالرحیم خان خلیفایی در سال ۸۲۷ یکی از معتبرترین و کامل‌ترین صورت‌های غزلیات حافظ را منتشر کرده. قدیمی‌ترین دیوان مصحح حافظ نیز با همت تبریزی‌ها چاپ شده است. ابوطالب تبریزی که بعدها به اصفهانی و لندنی مشهور شد قدیمی‌ترین تصحیح حافظ را در کلکته منتشر کرد. و این نشانگر این نکته است که آذربایجانی‌ها پیش از دیگر فارسی‌زبانان به تصحیح دیوان حافظ همت گماشته‌اند.» وی در پایان سخنان خود به نقش چهره‌هایی چون رشید عبوسی، سلیم نیساری، منوچهر مرتضوی، سید یحیی یربئی، عباس زریاب خوبی، محمد امین ریاحی، منصور ثروتیان، احمد شوقی و... در رشد و گسترش عرصه‌های مختلف حافظ‌پژوهی اشاره کرد.

دانشگاه تبریز، پیشاز تحقیقات حافظ‌پژوهی

دکتر اسدالله واحد دومین سخنران آیین بزرگداشت روز حافظ بود که سخنان خود را پیرامون نقش مهم دانشگاه تبریز در مشهور به جعفرالحافظ اشاره کرد که نسخه مشهور کتابخانه سلیمانیه که بعدها به تویقایی منتقل شد و در سال ۸۲۲

خود را در تبریز گذرانده‌اند و بزرگان اینجا تلمذ کرده‌اند. بنابراین حافظ اگر می‌خواهد که نام و آوازه‌ی پیدا کند چه بهتر که این شهر را به زیر سلطه نام و آوازه خویش ببرد.» این استاد دانشگاه سپس به بیان تأثیرپذیری‌های شاعران بزرگ آذربایجان از حافظ پرداخت و درباره اشعار شاعرانی چون نسیمی، شاه اسماعیلی ختایی، مجذوب، پری‌خان‌خانم، نظام تبریزی، حسرت اورومی، مسیح، شوری بخشایشی و... سخن گفت. او در دوره معاصر نیز به شاعرانی چون رضازاده شفق که از حافظ متأثر بوده‌اند اشاره کرد. دکتر مظفری، میرزا محمدتقی حجت‌الاسلام متخلص به نیز را مهم‌ترین شاعر آذربایجانی دانست که حافظ را به درستی و با روح و جان فهم کرده و جهان‌بینی حافظ را با تمام مضامینش درک کرده است. وی گفت: «در میان آذربایجانی‌ها شاعری که با حافظ قابل سنجش باشد جناب نیر تبریزی است.»

عضو هیئت علمی دانشگاه ارومیه در ادامه به سایر هنرمندان و پژوهشگران آذربایجانی اشاره کرد که به حافظ و حافظ‌پژوهی پرداخته‌اند. دکتر علیرضا مظفری به میرزا جعفرالخط تبریزی مشهور به جعفرالحافظ اشاره کرد که نسخه مشهور کتابخانه سلیمانیه که بعدها به تویقایی منتقل شد و در سال ۸۲۲

طرح نو؛ لیلا حسینیان

بیستم مهر ماه در تقویم ملی ایران روز بزرگداشت شاعر بزرگ و نامدار ایرانی حافظ شیرازی است. به همین مناسبت آیین ویژه روز بزرگداشت حافظ شیرازی در بنیاد پژوهشی شهریار و با حضور استادان، پژوهشگران و علاقمندان شعر و ادب برگزار شد. این نشست با موضوع محور «آذربایجان و حافظ» و با تکیه بر نقش آذربایجان و پژوهشگران آذربایجانی در تکوین حافظ‌پژوهی برگزار شد.

آیین ویژه روز حافظ در بنیاد پژوهشی شهریار با سخنرانی دکتر علیرضا مظفری، استاد دانشگاه ارومیه، دکتر اسدالله واحد استاد دانشگاه تبریز و دکتر یحیی نورالدینی استادیار دانشگاه پیام نور همراه بود.

نخستین چاپ مصحح دیوان حافظ توسط تبریزی‌ها

دکتر علیرضا مظفری به عنوان نخستین سخنران این مراسم سخنان خود را با بیت (عراق و فارس گرفتی به شعر خوش حافظ/ بیا که نوبت بغداد و وقت تبریز است) آغاز کرد. وی در باره این بیت گفت: برخی معتقدند که این بیت ستیزه‌جویی حافظ با آل مظفر است و این معنا را در خود دارد که آل مظفر به حکومت عراق و تبریز رسید ولی شعر حافظ این دو شهر مهم را تسخیر کرده است. اما احتمالاً نکته بالاتر از این مفهوم خواهد بود. در روزگار حافظ، آل جلایر حاکمان آذربایجان بودند که شیخ حسن بزرگ عمداً حکومت خود را در عراق امروزی و مناطق عرب‌زبان پایه‌گذاری کرده بود و فرزندش سلطان اویس بود که آذربایجان و تبریز را ضمیمه متصرفات خود کرد. در تاریخ ثبت است که همسر شیخ حسن، دلشاد خاتون، از شعرا و ادیبان بزرگی چون حافظ، سلمان ساوجی و عبید زاکانی حمایت می‌کرد و آثار ادبی او از آثار سیاسیست بالاتر بوده. اتابکان آل جلایر در پایتخت داشتند بغداد و تبریز. اگر به هندسه این بیت نگاه کنیم حافظ در مصراع اولش می‌گوید عراق را گرفتی که منظور این است که حافظ عراق عجم با مرکزیت اصفهان و فارس با مرکزیت شیراز را به زیر سلطه شهرت خود آورده است و حالا پایتخت‌های مقتدرترین حکومت روزگار در منازع آل مظفر، یعنی آل جلایر را باید به دست آورد. نکته دیگر این که در تاریخ اسلام این دو شهر یعنی بغداد و تبریز همیشه از جهت اثرگذاری فرهنگی حائز اهمیت بوده‌اند. بغداد، مخصوصاً در دوره‌ای که خلفای عباسی سرکار بودند با مجموعه‌هایی که از بیت‌الحکمه ساخته بودند و مدارس مختلف، محل نشو و نما علمای بود و تبریز هم همچنین که سرای حکمت بود و دانشمندان بسیاری از این شهر برخاستند و بسیاری از بزرگان حسرت دیدن تبریز را داشتند. برخی مانند نجم‌الدین کبری و امام فخر مدتی از عمر

خبر

معاون آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خبر داد:

افزایش هشت دهم درصدی نرخ بیکاری در آذربایجان شرقی



طرح نو؛ سردبیر
معاون آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی گفت: نرخ بیکاری استان در تابستان سال ۱۴۰۴ در مقایسه با سال گذشته هشت دهم درصد افزایش نشان می‌دهد.
فرهاد ذوقی اظهار کرد: طرح آمارگیری نیروی کار که به طور فصلی توسط مرکز آمار ایران اجرا می‌شود، یکی از حیاتی‌ترین پیمایش‌های آماری در هر کشور است و اهمیت بسیار بالایی برای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی دارد.
وی افزود: از دلایل اهمیت اجرای این طرح می‌توان به هدف‌گذاری در حوزه اشتغال، بررسی عملکرد تخصیص منابع، مقایسه‌های بین‌المللی و شناسایی مشکلات ساختاری بازار کار اشاره کرد.
ذوقی تصریح کرد: تغییرات اشتغال و بیکاری، از شاخص‌های مهم و مؤثر شاخص‌های توسعه‌یافتگی جوامع به شمار می‌آید و نرخ‌های مشارکت اقتصادی و بیکاری از شاخصه‌های مهم بازار کار هستند که برای ارزیابی شرایط اقتصادی کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد.
معاون آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی ابراز کرد: براساس نتایج اجرای طرح آمارگیری از نیروی کار در تابستان سال ۱۴۰۴ نرخ

مشارکت اقتصادی استان در تابستان سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که ۴۲٫۳ درصد جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر استان از لحاظ اقتصادی فعال بوده‌اند که ۱۵ درصد از نرخ مشارکت اقتصادی کل کشور (۴۰٫۸) بیشتر است.
وی در عین حال خاطر نشان کرد: نرخ مشارکت اقتصادی استان در تابستان سال ۱۴۰۴ در مقایسه با تابستان سال گذشته ۰٫۲ درصد کاهش پیدا کرده است.
ذوقی توضیح داد: نسبت اشتغال جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در تابستان سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که ۳۸٫۸ درصد از جمعیت در سن کار (۱۵ ساله و بیشتر) شاغل بوده‌اند که یک درصد از نسبت اشتغال کشور (۳۷٫۸ درصد) بیشتر است.
معاون آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی یادآور شد: نسبت اشتغال استان در تابستان سال ۱۴۰۴ در مقایسه با سال گذشته ۰٫۶ درصد کاهش نشان می‌دهد.
به نقل از روابط عمومی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی در روز سه‌شنبه ۲۲ مهر، ادامه داد: نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در تابستان سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که ۸٫۳ درصد از جمعیت در سن کار (۱۵ ساله و بیشتر) بیکار بوده‌اند که از نرخ بیکاری کشور (۷٫۴ درصد) ۰٫۹ درصد بیشتر است.

نقد یک دعوت و تصمیم عقلانی ایران

شرم‌الشیخ؛ دعوتی مشکوک به میزبانی وابستگان

مقاومت تعریف می‌شود) قابل نادیده گرفتن نیست.
جانش استقلال در برابر پروژه‌های صلح تحمیلی
پروژه‌هایی که تحت حمایت آمریکا در زمینه مناقشه فلسطین مطرح می‌شوند، در سطح کلان، نه صرفاً برای حل منازعه، بلکه برای تثبیت منطقه امن اسرائیل و حذف پدیده مقاومت طراحی شده‌اند. این پروژه‌ها عموماً شامل محورهای زیر هستند که ایران قویاً با آن‌ها مخالف است: به رسمیت شناختن ضمنی اسرائیل؛ شرکت در نشست‌هایی که اولویت اصلی آن‌ها عادی‌سازی روابط با اسرائیل است، مستقیماً با آرمان فلسطین در تقابل قرار می‌گیرد.
ایجاد ائتلاف‌های ضدایرانی: این نشست‌ها به طور پنهان به دنبال تقویت جبهه منطقه‌ای علیه ایران و محور مقاومت هستند، جایی که کشورهای مدعو نقش پوششی برای این استراتژی را ایفا می‌کنند.
نادیده گرفتن ریشه‌های منازعه: تمرکز صرف بر «آتش‌بس» یا «صلح» فرمایشی، بدون توجه به اشغالگری و حقوق ملت فلسطین، صرفاً پاک کردن صورت مسئله به نفع قدرت‌های مسلط است.
ایران با نپذیرفتن این بستر، عملاً اعلام کرد که رویکرد خود در قبال مسائل منطقه‌ای، مبتنی بر حمایت از مقاومت و رعایت اصل «اخراج کامل اشغالگر» است، نه پذیرش راه‌حل‌هایی که توسط قدرت مداخله‌گر خارجی دیکته می‌شود. ایران تشخیص داد که میزگردی که رهبران آن بیشتر نگران حفظ جایگاه خود در برابر میزبان آمریکایی هستند تا حل مسئله فلسطین، صدای ایران نه شنیده می‌شود، بلکه صرفاً برای افزایش اعتبار مصنوعی نشست، مصادره خواهد شد.

یک کشور عضو ناتو، لحنی نسبتاً فرادستی دیده می‌شد («سلام منو به زن زیباییت برسان») که نشان از تلاش برای حفظ برتری روانی در هر مکالمه‌ای داشت.
حضور سران دولت‌های مدعو در چنین نشستی، صرفاً به معنای قرار گرفتن در معرض رفتارهای تحقیرآمیز یا دیکته‌وار نیست. مهم‌تر از آن، پذیرش ضمنی این واقعیت است که آمریکا همچنان مرجع تصمیم‌گیری نهایی در خاورمیانه باقی مانده و هیچ توافقی بدون مهر تأیید واشنگتن، اعتبار ندارد.
ایران، با اتکاء به اصول اساسی خود و به‌عنوان پرچمدار استقلال‌طلبی در منطقه و نماد مقاومت فعال در برابر هژمونی خارجی، نمی‌توانست و نباید خود را در موقعیتی قرار می‌داد که تبدیل به زینت‌المجالس یک نمایش آمریکایی شود. قرار گرفتن در این جمع، به معنای تنزل جایگاه از یک بازیگر مستقل منطقه‌ای به یک عنصر تزئینی در دکوراسیون سیاست خارجی آمریکا تلقی می‌شد.

نبرد برای نظم نوین جهانی؛ تک‌صدایی در مقابل چندصدایی

در شرایط کنونی جهان، شاهد یک چرخش تاریخی و بزرگ به سمت نظم چندقطبی و چندصدایی هستیم. این تحول، مبتنی بر رشد اقتصادی و نظامی قدرت‌های نوظهور و منطقه‌ای است. کشورهای چون جمهوری اسلامی ایران، فدراسیون روسیه، جمهوری خلق چین، و اعضای جدید سازمان‌های بین‌المللی متمرکز بر جنوب جهانی مانند بریکس (BRICS) و سازمان همکاری شانگهای (SCO)، به طور فزاینده‌ای معتقدند که دوران تک‌صدایی آمریکا در روابط بین‌الملل به سر آمده است.
این قدرت‌ها خواهان جهانی هستند که در آن معماری جدیدی حکمفرما باشد؛ معماری که در آن قدرت‌ها و منافع مختلف جغرافیایی، سهمی مشخص و تأثیرگذار از حکمرانی جهانی داشته باشند. این امر به معنای نفی سلطه یا «هژمونی» یکجانبه از سوی یک کشور خاص است.
درست در میانه این تحولات ساختاری، دولت ترامپ و کابینه‌اش تلاش کردند با احیای نمایش‌های سنتی قدرت و به‌کارگیری تاکتیک‌های مهندسی مجدد خاورمیانه (که هدف اصلی و پنهان آن، تضعیف محور مقاومت و به طور خاص ایران و حزب‌الله لبنان است)، هژمونی از دست رفته آمریکا را به شکلی مصنوعی و مقطعی بازیابی کنند.
نشست شرم‌الشیخ، در این چارچوب تحلیلی، تلاشی بود برای تثبیت این روایت سنت و قدیمی که هنوز خاورمیانه تحت کنترل بلامنازع واشنگتن است و هرگونه صلح، ثبات، یا تغییر منطقه‌ای، باید حتماً با امضای حاکم بر کاخ سفید صورت پذیرد.
عدم حضور ایران، به مثابه انکار این فرمول و اعلام موضع بر این اصل بود که معادلات منطقه‌ای اکنون باید با حضور و اراده بازیگران مستقل شکل گیرد و وزن ایران در موازنه‌ی قدرت منطقه‌ای (که با محوریت

طرح نو؛ سردبیر
دعوت از جمهوری اسلامی ایران برای حضور در نشست «شرم‌الشیخ» مصر، که با اهداف اعلام شده‌ی اعضای صلح میان رژیم اسرائیل و جنبش مقاومت حماسی برگزار شد، بلافاصله محافل سیاسی داخلی و رسانه‌ای کشور را دچار یک دوگانگی تحلیلی جدی کرد؛ ضرورت حضور برای تأثیرگذاری مستقیم، یا عدم حضور به مثابه حفظ کرامت و استقلال راهبردی؟!
این مقاله استدلال می‌کند که دیدگاه طرفداران حضور ایران در چنین محفلی، فارغ از حسن نیت احتمالی، یا ریشه در ضعف بنیادین در درک سیاسی و تحلیل ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی دارد، و یا، در بدبینانه‌ترین حالت، عامدانه در مسیر تحقق اهداف غرب برای مشروعیت‌بخشی به نمایش‌های قدرت آمریکایی گام برمی‌دارد.
نگاهی دقیق به لیست شرکت‌کنندگان و دستور کار پنهان نشست، به وضوح نشان می‌دهد که این رویداد، یک گردهمایی صرفاً دیپلماتیک میان دولت‌های مستقل و دارای وزن منطقه‌ای نبود. در مقابل، این نشست اجتماع دولت‌هایی بود که داغ ننگ وابستگی عملی و هم‌راستایی عمیق با سیاست‌های غرب، به ویژه محور ایالات متحده آمریکا، را بر پیشانی خود حمل می‌کردند. در این مینتینگ به ظاهر «اهمیت‌دار»، هیچ قدرت مستقل و صاحب نفوذی که توانایی تصمیم‌گیری خارج از چارچوب و مدار واشنگتن را داشته باشد، حضور نداشت. ساختار این اجلاس از پیش تعیین شده بود تا یک بیانیه از پیش نوشته شده را به تأیید حامیان آمریکا برساند، نه اینکه محلی برای مذاکرات واقعی و چندجانبه باشد.

شوی تبلیغاتی ترامپ و نادیده گرفتن استقلال

حضور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در کانون و محوریت این نشست، خود قاطع‌ترین دلیل برای بررسی آن به‌عنوان یک «شوی تبلیغاتی» با جانشین قدرت‌نمایی است. ترامپ، چه در عرصه بین‌المللی و چه در تعامل با سران دولت‌هایی که به زعم خود «زیردست» و تابع سیاست‌های واشنگتن قرار داشتند، همواره عقده و علاقه خاصی به تخریب، تحقیر یا نمایشی کردن دینامیک رابطه قدرت از خود نشان داده است. و سوابق رفتاری او در گذشته، گویای این حقیقت تلخ در مورد ماهیت رهبری آمریکاست:
رفتار تحقیرآمیز با متحدین اروپایی؛ نمونه‌هایی چون اظهارات کنایه‌آمیز و توهمین‌آمیز خطاب به نخست‌وزیر انگلیس (با جملاتی چون: «استامر کجایی؟ اینجایی!» باشه برو برو!» یا اصرار بر لزوم پرداخت هزینه‌های ناتو) نشان می‌دهد که در قاموس ترامپ، تعامل بر پایه احترام متقابل جایی ندارد.
تعامل مبتنی بر پول و سلطه‌گری؛ برخوردها با حاکمان کشورهای عربی مانند امارات، که با لحن دستوری همراه بود («شما پول دارید، پول دارید... ما امنیت شما را تأمین می‌کنیم»)، ماهیت روابط را نه همکاری، بلکه رابطه ارباب و بنده تعریف می‌کند.
لحن نامناسب با رهبران قدرتمند منطقه‌ای؛ حتی در قبال اردوغان، رهبر

گزارش

بررسی پیشنهاد صلح ترامپ به ایران در شرم‌الشیخ؛

نمایشی برای حفظ برتری آمریکا

صلح در این فضا، نه یک دعوت واقعی، بلکه یک «بسته مذاکراتی» است که با هدف تضعیف موضع ایران در زمان اعمال فشار طراحی شده است.
هدف نهایی دولت ترامپ این است که ایران را در وضعیتی نگه دارد که نه آنقدر خطرناک باشد که واشنگتن مجبور به مداخله مستقیم شود (و هزینه‌های جنگ را بپردازد) و نه آنقدر مستقل باشد که بتواند بدون ملاحظه سیاست‌های منطقه‌ای خود را پیش ببرد و هژمونی منطقه‌ای آمریکا را به چالش بکشد.
این وضعیت «آستانه» نامیده می‌شود. در این حالت، تهدیدها حداکثر فشار را وارد می‌کنند، اما فعال‌سازی کامل نظامی هرگز صورت نمی‌گیرد، زیرا محاسبات نشان می‌دهد که نتیجه قطعی نخواهد بود و هزینه‌های آن بیش از سود مورد انتظار است.



آسیا شوند که می‌تواند توجه و منابع لازم برای تقابل با رقبای درجه یک را منحرف کند.
ج) متحدان سنتی آمریکا در منطقه (مانند برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس)، دیگر مانند گذشته حاضر به پرداخت هزینه‌های مستقیم یا غیرمستقیم یک جنگ نیابتی به نفع واشنگتن نیستند. آن‌ها به دنبال راهکارهای مستقل‌تری می‌گردند و اغلب خواهان کاهش تنش هستند تا ثبات اقتصادی خود را حفظ کنند. در نتیجه، آمریکا در صورت وقوع جنگ، نمی‌تواند انتظار پشتیبانی قاطع و یکپارچه منطقه‌ای را داشته باشد.

۲- در سوی دیگر، دستیابی به صلح واقعی و پایدار با تهران، بزرگ‌ترین ابزار نفوذ و اهرم فشار واشنگتن علیه ایران را از میان می‌برد. اگر آمریکا با ایران به یک توافق جامع و پایدار (حتی فراتر از برجام) دست یابد، دلایل استراتژیک بر پای حفظ تحریم‌های حداکثری از بین می‌رود. این امر دست آمریکا را برای اعمال خواسته‌هایش در منطقه خالی می‌کند، زیرا اگر تهدید نظامی منتفی شود، توانایی آمریکا برای وادار کردن ایران به امتیازدهی در حوزه‌های منطقه‌ای (مانند یمن

شرم‌الشیخ مطرح شد، کاملاً در چارچوب همین تئاتر قرار می‌گیرد. این اقدام بیش از آنکه نیت واقعی صلح در آن نهفته باشد، خوراکی تبلیغاتی برای اهداف داخلی و بین‌المللی است تا برتری آمریکا به رخ کشیده شود.
ترامپ تلاش دارد تا با ارائه تصویری از یک رهبر قاطع که در عین حال آماده مذاکره است، به ویژه برای پایگاه رأی‌دهندگان، این پیام را بدهد که او برخلاف دیپلمات‌های سنتی، قادر به ایجاد نتایج ملموس است. و این پیشنهاد، به متحدان منطقه‌ای آمریکا اطمینان می‌دهد که واشنگتن همچنان مرکز ثقل قدرت در خاورمیانه است و تصمیمات اساسی توسط واشنگتن اتخاذ می‌شود، نه تهران یا سایر بازیگران منطقه‌ای.

محاسبات هزینه‌های جنگ و صلح

استراتژی ترامپ در قبال ایران یک استراتژی مبتنی بر ارزیابی ریسک و سود سیاسی است. او به‌خوبی می‌داند که هرگونه درگیری نظامی تمام‌عیار با ایران، هزینه‌های سنگین در بر خواهد داشت که محاسبات سیاسی او را به هم می‌ریزد. این محاسبات را می‌توان در سه محور اصلی بررسی کرد:
۱- هزینه سنگین جنگ (ریسک‌های اجتناب از درگیری مستقیم): حمله نظامی به ایران از نظر ترامپ، به ویژه در آستانه انتخابات یا در شرایطی که کشور نیازمند تمرکز بر اولویت‌های دیگر است، یک ریسک بزرگ محسوب می‌شود. اما چرا؟
الف) پس از سال‌ها درگیری‌های پرهزینه در خاورمیانه (عراق و افغانستان)، افکار عمومی آمریکا دیگر تحمل یک جنگ جدید و پرهزینه (چه از نظر جانی و چه مالی) را ندارد. شعار «اول آمریکا» با اعزام گسترده نیروها به جنگی نامحدود در تضاد قرار می‌گیرد. در اقتصاد سیاسی مدرن، هر دلار هزینه شده در جنگ، سودی از دست رفته در بازار سهام یا کاهش مالیات‌های وعده داده شده است.
ب) واشنگتن در حال حاضر تمرکز اصلی خود را بر رقابت‌های استراتژیک بلندمدت با چین و روسیه قرار داده است. منابع حیاتی (نظامی، دیپلماتیک و لجستیکی) نمی‌توانند درگیر یک منازعه تمام‌عیار و پیچیده در غرب

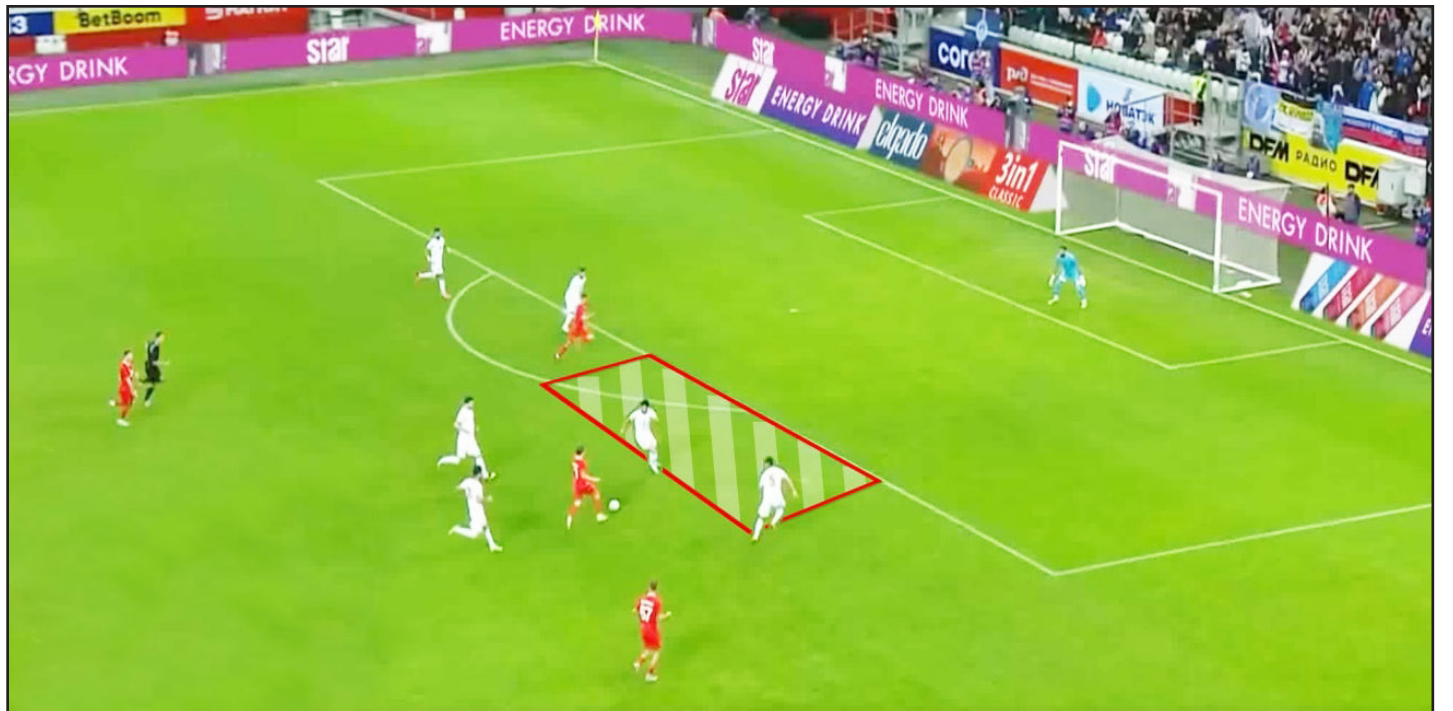
طرح نو، سردبیر
دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با سابقه‌ای طولانی در استفاده از صحنه‌های بزرگ بین‌المللی برای اهداف سیاسی داخلی و خارجی، در نشست شرم‌الشیخ نیز پیشنهاد گفت‌وگو با ایران را مطرح کرد. این اقدام، در نگاه تحلیلگران، بیش از آنکه تلاشی برای صلح پایدار باشد، یک مانور تبلیغاتی است. ترامپ می‌خواهد این پیام را مخابره کند که «جهان بدون رهبری آمریکا فلج است» و او تنها ناجی بحران‌هاست. این تئاتر سیاسی در سایه محاسبات دقیق ژئوپلیتیکی و شکلی می‌گیرد که هدف نهایی آن نه حل بحران، بلکه حفظ حداکثری مزیت استراتژیک و قدرت چانه‌زنی واشنگتن است.
ترامپ و تئاتر سیاست خارجی
دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، برخلاف روسای جمهور سنتی که ترجیح می‌دادند دیپلماسی در پشت پرده انجام شود، همواره از تریبون‌های عمومی و صحنه‌های بین‌المللی به عنوان ابزاری قدرتمند برای مدیریت افکار عمومی و اعمال فشار استفاده کرده است. این رویکرد، که می‌توان آن را «تئاتر سیاست خارجی» نامید، هسته اصلی سبک کاری اوست.
ترامپ عاشق نمایش‌های بزرگ است. از بحران ونزویلا گرفته تا وضعیت افغانستان، از نیکاراگوئه تا شبه‌قاره هند، از اروپای شرقی تا مناطق دوردستی چون گرینلند و کانادا و پاناما؛ او همواره خود را در مرکز توجه و به عنوان منجی بحران‌ها معرفی می‌کند. نمایش‌های ترامپ همیشه دارای ویژگی‌های مشترکی هستند. از جمله؛
مسائل چندوجهی ژئوپلیتیک به یک نزاع ساده بین «خوب» (آمریکا تحت رهبری ترامپ) و «بد» (دشمنان آمریکا) تقلیل داده می‌شوند. همچنین تصمیمات کلیدی اغلب بدون مشورت گسترده با متحدان یا سازمان‌های بین‌المللی اعلام می‌شوند، که این امر باعث ایجاد شوک و عدم قطعیت می‌شود. و این که ترامپ خود را به عنوان تنها فردی معرفی می‌کند که قادر به حل بزرگ‌ترین چالش‌های جهانی است. پیشنهاد گفت‌وگو با ایران نیز که در حاشیه نشست منطقه‌ای

دوگانگی نمایشی

در پایان باید این گونه جمع بندی کنم که: ترامپ در قاهره لبخند زد و از صلح با ایران گفت، اما در عمل همان سیاست قدیمی را دنبال می‌کند: «بازی با سایه‌ی جنگ برای حفظ هژمونی آمریکا». و سیاست او یک دوگانگی آشکار است که در معادلات زیر خلاصه می‌شود:
عدم جنگ: جنگ نمی‌کنم تا از فروپاشی داخلی (به دلیل نارضایتی عمومی از هزینه‌های جنگ) یا هزینه‌های سنگین نظامی که اولویت‌های استراتژیک بزرگ‌تر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، غرق نشوم.
عدم صلح واقعی: صلح هم نمی‌کنم تا ابزار نفوذ و برتری استراتژیک خود (تهدید نظامی و فشار اقتصادی) را در برابر بازیگر اصلی منطقه‌ای (ایران) از دست ندهم.
این تئاتر صلح، نمایشی بیش نیست؛ یک بازی نمایشی برای اطمینان دادن به طرف‌های داخلی و خارجی است که رهبر آمریکا همچنان مسلط بر صحنه است و تنها اوست که می‌تواند «شرایط» صلح را دیکته کند، حتی اگر نیت واقعی او برای رسیدن به صلح نزدیک به صفر باشد. این پیشنهاد، ابزاری است برای تقویت روایت «منجی» در ذهن مخاطبان، نه ابزاری برای حل ریشه‌ای منازعات ژئوپلیتیک.

گزارش

آنالیز خط دفاع متزلزل تیم ملی؛ اجرای ناکام ایده‌های بزرگ!



قرمزپوش را با پاس بلند صاحب موقعیت در پشت دفاع ایران می‌کند.

فضا دادن به حریف برای شوت زنی

فضای جلوی محوطه جریمه را در فوتبال، منطقه ۱۴ حریف می‌گویند و روسیه و تاجیکستان بارها این منطقه را هدف گرفتند. به طور کلی و در هنگام بازگشت به عقب (انتقال منفی)، تیم ملی ایران تنها تمرکز خود را بر روی محوطه جریمه خود می‌گذارد. به همین دلیل وقتی که توپ به عقب باز می‌گردد، ۹ بازیکن ایران درون محوطه قرار می‌گیرند و دیمیتری وروبیف، به راحتی با یک ضربه محکم دروازه علی‌رضا بیرانوند را باز می‌کند.

عدم پوشش این منطقه، باعث می‌شود تا همانند تصویر زیر، حسین ابرقویی‌نژاد یک خط جلو بیاید و به همین راحتی پشت سر او خالی می‌شود. اتفاقی که مهاجم روسیه را با بیرانوند در موقعیتی تک به تک قرار داد اما شجاع خلیل‌زاده مانع ورود توپ به دروازه ایران شد.

در دیدار مقابل تاجیکستان نیز بار دیگر این اتفاق رقم خورد. آزادی بازیکنان حریف در پشت محوطه بدون درگیری با هافبک و حضور ۸ بازیکن ایران درون محوطه یا در راستای آن، شرایطی که خیلی راحت با یک پاس کات بک و قطع ضربه، گل اول تاجیکستان را رقم زد.

فاصله زیاد خط جلو با عقب زمین در انتقال توپ

یکی از به‌روزترین سیستم‌ها و اعمال دفاعی برای جلوگیری از موقعیت‌های حریف، آفسایدگیری است. با این حال

طرح‌تو؛ گروه حمیدی تیم ملی ایران زیرنظر امیر قلعه‌نویی، روزهای بی‌ثباتی را پشت سر می‌گذارد. آن‌ها در هر بازی به صورت میانگین حداقل یک گل را دریافت کرده‌اند. ایده‌های اشتباه در جریان بازی و همچنین ساختار نامناسب دفاعی، اصلی‌ترین عوامل این وضعیت تیم در خط دفاع هستند. تیم ملی ایران در فاصله ۹ ماه مانده به آغاز جام جهانی ۲۰۲۶، الگوهای مشخصی در خط حمله و عقب زمین ندارد. این تیم تنها ۳ کلین شیت در یک سال اخیر ثبت کرده و علاوه بر سردرگمی در خلق موقعیت، موقعیت‌های زیادی را هم در اختیار رقبای خود قرار داده است. پرس نامنظم، عدم پوشش منطقه ۱۴ (فضای پشت محوطه جریمه) و آفسایدگیری منطقه‌ای نامناسب، موجب ثبت این آمار نگران‌کننده شده‌اند.

پرس از بالای بدون هدف

در هنگام پرس، ریسکی صورت می‌گیرد تا تیم با تعداد نفرات بالا، در بخش جلوی زمین بازی کند و در ازای آن، بازی‌سازی حریف از اولین نقطه تیم مختل شود و شانس بدست آوردن موقعیت در نزدیکی دروازه نیز افزایش یابد. با این حال این ریسک در تیم ملی ایران با هدف خاصی دنبال نمی‌شود و صرفاً در نزدیکی خط دفاع افغانستان، این تیم با نفرات بالا حضور دارد.

حرکت بسیار دیر مهدی هاشم‌نژاد و جای‌گیری نادرست این بازیکن، خیلی راحت خط دفاعی افغانستان در لب خط را صاحب توپ می‌کند و از طرفی هافبک رابط افغانستان، آزادانه در جلوی دفاع حرکت می‌کند. اتفاقی که تیم

خبر

برد بزرگ تراکتور در فیفادی؛ بازگشت ستاره



طرح‌تو؛ گروه ورزش فاصله ایجادشده در لیگ برتر بیش از همه به نفع مهدی ترابی شده است. مهدی ترابی که دومین فصل حضور خود در تراکتور را پشت سر می‌گذارد، در برد پرگل تی‌تی‌ها برابر آلومینیوم اراک با مصدومیت مواجه شد و در دقیقه ۴۶، جای خود را به رگی لوشکیا داد.

این مصدومیت باعث شد تا ترابی پنج بازی آتی تیمش را از دست بدهد؛ بازی‌هایی که تراکتور به یک پیروزی و چهار تساوی رسید تا نبود این مهره کلیدی بیش از همیشه به چشم بیاید.

باتوجه به لغو بازی تراکتور و ملوان در هفته هفتم لیگ برتر، بازی بعدی تراکتور روز ۲۸ مهر مقابل الشارجه امارات خواهد بود و باید دید ترابی به این بازی حساس در هفته سوم لیگ نخبگان آسیا خواهد رسید یا نه.

خبر

تراکتور و ماشین سازی در جام چهار جانبه اردبیل



طرح‌تو؛ یونس نهاری مسابقات چهارجانبه فوتبال یادواره علی‌رضا آستانی پیشکسوت فید استان اردبیل در اردبیل برگزار می‌شود

رئیس هیات فوتبال استان اردبیل طی گفتگویی اظهار داشت؛ مسابقات چهارجانبه فوتبال یادواره علی‌رضا آستانی پیشکسوت فید استان اردبیل با حضور تیم های پیشکسوتان تراکتور تبریز، ماشین سازی تبریز، قصر سفید اردبیل و همای اردبیل در استادیوم تختی اردبیل برگزار می‌شود. صمد نوتاش گفت: این مسابقات در روزهای ۲۴ و ۲۵ مهر ماه در استادیوم تختی اردبیل برگزار می‌شود و روز ۲۴ مهر تیمهای پیشکسوتان تراکتور تبریز و همای اردبیل در

ساعت ۱۳ به مصاف هم می‌روند و ساعت ۱۵ همان روز تیمهای پیشکسوتان قصر سفید اردبیل و ماشین سازی تبریز به مصاف هم خواهند رفت. نوتاش گفت: برنده دو بازی در روز ۲۵ مهر دیدار فینال مسابقات را برگزار خواهند کرد و قبل از بازی فینال مراسم یادواره شادروان علی‌رضا آستانی بازیکن پیشکسوت فید استان با حضور مسئولین و پیشکسوتان فوتبال برگزار خواهد شد. رئیس هیات فوتبال استان اردبیل گفت: یکی از رویکردهای هیات فوتبال استان ارج نهادن به پیشکسوتان فوتبال است و در این راستا مسابقات ویرنامه های مختلفی برگزار می‌شود.

گزارش

برنامه آماده‌سازی تیم ملی زنان تا جام ملت‌ها؛ فدراسیون و دیپلماسی در حد محلات!



طرح‌تو؛ گروه ورزش تیم ملی زنان ایران در ۲ فیفادی آتی به مصاف رقبای خواهد رفت که سبک بازی‌شان شباهت چندانی به حریفانش در جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۶ ندارد!

تیم ملی زنان ایران خودش را برای حضور در جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۶ آماده می‌کند؛ آن‌هم در حالی‌که ملی‌پوشان برای دومین بار در طول تاریخ جام ملت‌ها که بیش از نیم‌قرن قدم دارد و بیست‌ویکمین دوره برگزاری آن است، قرار است حضور پیدا کنند. در دوره قبلی، زنان فوتبال ایران ۲ شکست سنگین برابر چین و چین‌تایپه را متحمل شدند و نتوانستند از هند امتیاز بگیرند که امتیاز کسب شده برابر هند به دلیل کنار رفتن این تیم از گردونه مسابقات به صعود از گروه بیندیشند و در جدول مسابقات حذف شد!

زنان فوتبال ایران حالا در دوره جدید مسابقات که از یک تا ۲۱ مارچ ۲۰۲۶ (۱۰ اسفند ۱۴۰۴ تا یک فروردین ۱۴۰۵) به میزبانی کشور استرالیا برگزار خواهد شد، با تیم میزبان در کنار کره جنوبی و فیلیپین هم‌گروه شده‌اند که این بار کار سختی برای کسب حتی امتیاز دارند؛ چه برسد به آنکه بخواهند به صعود از گروه بیندیشند و در مسیر کسب سهمیه جام جهانی قدم بردارند. از زمان صعود به جام ملت‌ها، تیم ملی زنان یک اردوی رسمی داشته و حالا دومین اردو در حالی قرار است از فردا (چهارشنبه) آغاز شود که ۵ روز دیگر، فیفادی ماه اکتبر در فوتبال زنان آغاز خواهد شد.

اولین فیفادی در شیلونگ؛ با حضور هند و نپال

مسئولان فدراسیون فوتبال که این روزها به‌واسطه کم‌توجهی‌شان به فوتبال زنان، زیر تیغ تیز انتقادات قرار گرفته‌اند، بعد از کشمکش‌های پرشمار و طرح اسامی

کشورهای مختلف برای انجام دیدار تدارکاتی با تیم ملی زنان، سرانجام نتوانسته‌اند حضور در یک تورنمنت ۳جانبه را برای تیم ملی زنان هماهنگ کنند؛ تورنتمتی با حضور زنان فوتبال ایران در کنار هند و نپال که به میزبانی شیلونگ در کشور هند انجام خواهد شد که نسبت به سطح کیفی این تورنمنت ۳جانبه انتقادات پرشماری مطرح است. تیم ملی زنان ایران جزو تیم‌های درجه دوم آسیا محسوب می‌شود و در رنکینگ فیفا در رتبه هفتمادامش به چشم

سفر به تایلند در راه است؛ در حسرت پیکار رقبای منهای رتبه ۱۵۰!

هند در رده‌بندی تیم‌های ملی زنان در رتبه شصت‌وسوم است و نپال هم در جایگاه ۸۷ نامش به چشم می‌خورد. هندی‌ها یکی از ۱۲ تیم شرکت‌کننده در جام ملت‌ها هستند اما نپال نتوانست خودش را به این تورنمنت برساند. اتفاق مهم آنکه سبک بازی هند و نپال نزدیک به هم است و مهم‌تر آنکه با سبک بازی رقبای تیم ملی در جام ملت‌ها (استرالیا، کره جنوبی و فیلیپین) شباهت چندانی ندارد که این مسئله می‌تواند برای تیم ملی زنان خوشایند نباشد.

این تورنمنت به مصاف تیم‌های ملی زنان ازبکستان و تایلند برود که از یک‌ها با کنار زدن نپال به جام ملت‌ها رسیدند و تایلندی‌ها با شکست برابر هند نتوانستند در این تورنمنت حضور یابند.

تایلند در رتبه پنجاه‌وسوم رنکینگ فیفا حضور دارد و ازبکستان هم یک‌پله بالاتر از این تیم در موقعیت ۵۲ جهان است. اتفاق مهم آنکه سبک بازی ازبکستان و تایلند هم شباهتی به رقبای تیم ملی زنان ایران ندارد و همین مسئله باعث شده تا برنامه آماده‌سازی تیم ملی زنان مورد انتقاد و هجمه قرار گیرد؛ چرا که انتظار می‌رفت با تیم‌های دارای رتبه بهتر از ۵۰ در رنکینگ فیفا دیدار دوستانه و تدارکاتی هماهنگ شود تا تیم ملی زنان در مواجهه با استرالیا (رتبه ۱۵ دنیا)، کره جنوبی (رتبه ۲۱ دنیا) و فیلیپین (رتبه ۳۹ دنیا) از آمادگی بیشتری برخوردار باشد.

نیمه پُر لیوان را هم می‌بینیم اما نیمه خالی بیشتر به چشم می‌آید!

مسئولان فدراسیون فوتبال البته به صرف پُر کردن تقویم تیم ملی زنان و خالی‌نماندن فیفادی‌ها، اقدام مثبتی برای هماهنگی ۴ بازی دوستانه انجام داده‌اند که این مسئله را می‌توان مصداق نیمه پُر لیوان دانست اما نیمه خالی لیوان بیشتر به چشم می‌آید؛ چرا که سطح کیفی دیدارهای تدارکاتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و مشخصاً رایزنی مسئولان فدراسیون برای رویارویی با تیم‌های تراز اول شرق آسیا مثل ژاپن، چین، ویتنام و چین‌تایپه راه به جایی نبرده و عدم مواجهه با رقبای اروپایی هم در نوع خود جالب‌توجه است و نشان از ضعف دیپلماتیک فدراسیون در راه هماهنگی مسابقات تدارکاتی در عرصه فوتبال زنان دارد.

شعر

هواخواه توأم جانا و می دانم که می دانی



هواخواه توأم جانا و می دانم که می دانی
که هم نادیده می بینی و هم ننوشته می خوانی
ملاطمت گو چه دریا بد میان عاشق و معشوق؟
نبیند چشم نابینا خصوص اسرار پنهانی
بیفشان زلف و صوفی را به بابازی و رقص آور
که از هر رقعہ دلش هزاران بت بیفشانی
گشاد کار مشتاقان در آن ابروی دلبد است
خدا را یک نفس بنشین گره بگشا ز پیشانی
ملک در سجده آدم زمین بوس تو نیت کرد
که در حسن تو لطفی دید بیش از حد انسانی
چراغ افروز چشم ما نسیم زلف جانان است
مباد این جمع را یا رب غم از باد پریشانی
دریغ اعیش شب گیری که در خواب سحر بگذشت
ندانی قدر وقت ای دل مگر وقتی که درمانی
ملول از هم رهان بودن طریق کردانی نیست
بکش دشواری منزل به یاد عهد آسانی
خیال چنبر زلفش فریبست می دهد حافظ
نگر تا حلقه اقبال ناممکن نجیبانی
«حافظ»

روشن تر از آینه



دختر زیبای نابینای من
گر به تاریکی اسیری، وای من
دزد گیتی چشم زیبایت گرفت
روشنی از روز و شب هایت گرفت
لیک ایمان در دلت تابنده است
نور هستی در وجودت زنده است
در تو امید فراوان دیده ام
نغمه های شاد و روشن دیده ام
روشنی بخش رهنم علم است و درس
طفلک من از غم فردا متوس
در تمام زندگی او یار توست
او که آگه بر همه کردار توست
او چراغ راه روشن می کند
از پلیدی هات ایمن می کند
گر نگاهت از شکوفایی تهی است
در وجودت شعله های زندگی است
قلب تو روشن تر از آینه است
شوق و شور زندگی در سینه است

فرماندار ورزقان:

۲۷ مدرسه جدید در ورزقان در حال احداث است



است و در این پروژه ها هیچ گونه هزینه ای از محل اعتبارات عمومی برداخت نمی شود.

مدیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آذربایجان شرقی:

باید حال خوش کودکان را امروز بسازیم



آنان بود.

وی در پایان با خطاب مستقیم به کودکان گفت: شما زیباترین جلوه های زندگی ما هستید و با لبخندها و رویاهایتان، جهان را جاویدان و زیبا می سازید. امیدواریم همه دست به دست هم دهیم تا جهانی سرشار از مهر و عاری از خشونت برای شما فراهم آوریم. گفتنی است: همزمان با هفته ملی کودک، سالن همایش های بین المللی خاوران تبریز میزبان جشنی پرشور و رنگارنگ بود که در آن کودکان با سرور و ترانه، مفهوم «حال خوش زندگی» را به نمایش گذاشتند. این مراسم به همت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری آذربایجان شرقی سازماندهی و اجرا شد. / مهر

کرد: ما از طریق اجرای برنامه های گوناگون فرهنگی و هنری و ترویج مطالعه، بستری فراهم می کنیم تا کودکان بتوانند استعداد های خود را بروز دهند. وی در ادامه با اشاره به عدالت فرهنگی به عنوان یکی از اهداف کلیدی کانون، ادامه داد: برای تحقق این امر، حتی در دورافتاده ترین روستاها و مناطق عشایری نیز برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی انجام داده ایم.

همکاری گسترده نهادها و مشارکت ده هزار نفری
این مقام مسئول با تقدیر از همکاری نهادهای مختلف استان، گفت: در هفته ملی کودک، تعامل خوبی با استانداری، امام جمعه، مدیرکل امور اجتماعی، آموزش و پرورش و شهرداری ها داشتیم که نتیجه این همکاری ها، اجرای برنامه های شاد و فرهنگی برای حدود ده هزار دانش آموز و خانواده های

طرح نو: گروه فرهنگ و ادب فرماندار ورزقان گفت: هم اکنون ۲۷ واحد آموزشی با مجموع ۱۳۴ کلاس درس در شهرها و روستاهای شهرستان ورزقان در حال احداث است. علی میکانیلی در جلسه شورای فرهنگ عمومی ورزقان با اشاره به اینکه این پروژه ها با مجموع اعتباری بالغ بر ۴۰۰ میلیارد تومان و با مشارکت شرکت های فعال معدنی در حال اجراست، افزود: با بهره برداری از این مدارس تا آغاز سال تحصیلی آینده، بخش عمده ای از کمبود فضای آموزشی در مناطق روستایی ورزقان برطرف خواهد شد. میکانیلی همچنین خاطرنشان کرد: اجرای طرح احداث مدارس توسط خیرین مدرسه ساز برای نخستین بار در شهرستان ورزقان در دست انجام

طرح نو: گروه فرهنگ و ادب مدیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آذربایجان شرقی با تأکید بر لزوم توجه فوری به شادی و سلامت کودکان، گفت: آینده جامعه در گرو سرمایه گذاری بر شادی، امنیت و آموزش کودکان امروز است.

زینب علمدار سرند، مدیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آذربایجان شرقی در آیین «کودکان، حال خوش زندگی» که در مرکز همایش های بین المللی خاوران تبریز برگزار شد، بر اولویت دادن به شادی و سلامت کودکان به عنوان سرمایه گذاری برای آینده جامعه تأکید کرد. وی اظهار داشت: بایستی شادابی، امنیت، آموزش و سلامت روح و جسم کودکان را در اولویت برنامه های خود قرار داده و برای تحقق آن سرمایه گذاری کنیم.

باور به تغییر و شکوفایی استعدادهای
علمدار سرند در ادامه با اشاره به اهمیت باور به توانمندی ها، افزود: شرط اصلی هر تحولی، شکستن چارچوب های ذهنی و ایمان به امکان دگرگونی است. خداوند در نهاد هر انسانی توانایی های شگرفی به ودیعه نهاده و مأموریت کانون، شناسایی و شکوفاسازی این گنجینه نهفته در وجود کودکان است.

سه محور اصلی: تخیل، تفکر و خلاقیت
علمدار سرند، تخیل، اندیشه و آفرینندگی را سه رکن اساسی فعالیت های کانون پرورش و خاطر نشان

خبر

انتخاب انجمن خوشنویسان تبریز به عنوان شعبه نمونه کشور برای سومین سال متوالی



طرح نو: گروه فرهنگ و ادب در آیین گرامیداشت هفتاد و پنجمین سال تأسیس انجمن خوشنویسان ایران، شعبه تبریز به عنوان شعبه نمونه کشوری سال ۱۴۰۴ انتخاب شد و از استاد یونس نصیری، مدیر انجمن خوشنویسان تبریز، تقدیر به عمل آمد. همزمان با هفته خوشنویس و جشن هفتاد و پنجمین سال تأسیس انجمن خوشنویسان ایران، شعبه تبریز با مدیریت استاد یونس نصیری برای سومین سال متوالی به عنوان شعبه نمونه کشوری انتخاب شد. این انتخاب با هدف بزرگداشت خدمات شایسته و نقش مؤثر انجمن خوشنویسان تبریز در ارتقای سطح هنری و فرهنگی استان آذربایجان شرقی صورت گرفت.

در بخشی از متن لوح تقدیر مدیرعامل انجمن خوشنویسان ایران آمده است: «ضمن ابراز مراتب سپاس و قدردانی از شما مدیر گرانمایه، همانگونه که مطلعید حرکت به سوی تعالی و پیشرفت در حوزه فخیم خوشنویسی و برگزاری برنامه های مدون و مستمر، میسر و میسر نیست مگر با همراهی و همکاری تمامی شعب انجمن خوشنویسان ایران در سراسر کشور، لذا امید آن داریم در سایه همدلی و هم آوایی توأم با حفظ موازین و مقررات سازمانی و تداوم برنامه های گسترده و وزین، شاهد اعتزاز رایت عزت و سربلندی و شکوه انجمن خوشنویسان ایران برای همیشه باشیم.» گفتنی است، انتخاب شعبه تبریز به عنوان شعبه نمونه در سه سال گذشته، بیانگر جایگاه ویژه این مجموعه هنری در تعامل با سایر نهادهای فرهنگی و هنری و نقش مؤثر آن در حفظ و گسترش هنر اصیل ایرانی خوشنویسی است.

یادداشتی برای روشندان؛ گنج های پنهان جامعه

زندگی پر از نور؛ با چشمانی که نمی بینند

شما نه تنها چشمانی برای دیدن دارید، بلکه قلبی پر از نور و روحی پر از امید نیز دارید. جامعه ای که در آن، همه افراد، فارغ از توانایی هایشان، احساس ارزش و حضور کنند، جامعه ای است که حقیقتاً به سوی کمال حرکت می کند. پس بیایید با هم، دست در دست، گام برداریم.



الگوی مناسبی برای همگان خواهد بود.

گامی در مسیر آگاهی، همدلی و پیشرفت
روشندان، ستارگان درخشان آسمان شریعت هستند؛ ستارگانی که با نور درخشان خود، راه را برای دیگران هموار می کنند و نشان می دهند که محدودیت ها، تنها در ذهن ما وجود دارد. آن ها ما را به سوی عمق وجودمان می برند؛ به جایی که روح و روان، حقیقت را درک می کند. ما دوباره متولد می شویم؛ تولدی دوباره به سوی آگاهی و درک عمیق تر از زندگی. آن ها ما را به مسیر راست هدایت می کنند؛ مسیری که در آن، انسانیت و مهر، دو بال پرواز ما خواهند بود. در کنار این عزیزان، ما می توانیم به توانایی هایمان ایمان بیآوریم و از ناتمامی ها، فرصتی برای رشد و کمال بسازیم. آن ها ما را به سوی کمال می برند؛ به جایی که حتی در نقص، زیبایی نهفته است و هر نقصی، می تواند مسیری به سوی کمال باشد.

با روشندان، ما می آموزیم که زندگی یک اثر هنری است؛ اثری که با هر تجربه، هر اشک و هر خنده، رنگ و جلوه ای نو می یابد. آن ها ما را به سمفونی زیبای زندگی دعوت می کنند؛ سمفونی احساسات، درد و آرامش، امید و آرزو. پس بیایید با روشندان، مسیری را طی کنیم که به سوی نور و آگاهی می انجامد؛ مسیری که در آن، انسانیت و مهر، راهنمای ما خواهند بود و قلب هایمان، پر از امید و شادی.

الگوهای موفق

چراغ های راه تاریخ، سرشار از افرادی است که علیرغم محدودیت ها، به اوج موفقیت رسیدند. افرادی چون هلن کِلِر، که با وجود نابینایی و ناشنوایی، به یک فعال اجتماعی و نویسنده برجسته تبدیل شد؛ یا استفن هاوکینگ، که با وجود فلج بودن، به یکی از بزرگترین فیزیکدانان جهان تبدیل شد.

الگوهای الهام بخش

این یادداشت را به تمامی شما روشندان عزیز تقدیم می کنم. شما الگوهای الهام بخش هستید؛ افرادی که با تلاش و پشتکاری مثال زدنی، مسیر را برای دیگران هموار می سازید. به یاد داشته باشید که

قوی تر از افراد معمولی است. آنها با استفاده از این حواس، دنیا را به گونه ای دیگر تجربه می کنند؛ دنیایی پر از رنگ و نور، که شاید برای ما پنهان باشد، اما برای آنها به وضوح قابل مشاهده است.

آموزش و توانمندسازی: کلید موفقیت

آموزش، راهی است که به سوی موفقیت می گردد؛ و این راه، برای روشندان نیز هموار است. با استفاده از روش های آموزشی خاص، آنها می توانند به دانش و مهارت های مختلف دست یابند. از نجوم گرفته تا موسیقی، ادبیات و حتی ورزش، هیچ محدودیتی برای یادگیری وجود ندارد. توانمندسازی روشندان، نه تنها به نفع خود آنها، بلکه به نفع جامعه نیز است. با فراهم کردن فرصت های برابر آموزشی و شغلی، می توانیم شاهد حضور فعال تر آنها در جامعه باشیم؛ حضوری که نه تنها به غنای جامعه می افزاید، بلکه

زندگی با نابینایی؛ چالش ها و فرصت ها

زندگی برای هر فردی، مسیری پرپیچ و خم است؛ اما برای روشندان، این مسیر ممکن است با چالش های خاصی همراه باشد. از مشکلات روزمره گرفته تا موانع آموزشی و اجتماعی، همه می توانند سد راهی باشند بر سر راه آنها. با این حال، همین چالش ها می توانند به فرصتی برای رشد و شکوفایی تبدیل شوند. روشندان، با تکیه بر توانایی های نهفته شان، یاد می گیرند که چگونه از سایر حواس خود بهره ببرند. حسن شنوایی، لامسه و حتی حس بویایی شان، بسیار

۶ گام برای نوشتن یک داستان



می‌کند، برای خودم چهار نوع پرسش را مطرح می‌کنم: چه می‌توانم بنویسم؟ داستانی را با راوی شخص اول به پایان رساندم و نتیجه خیلی خوب بود. دیگر چه چیزی را با راوی شخص اول می‌توانم بنویسم؟ درباره همین شخصیت داستان اخیرم چه داستان دیگری را می‌توانم روایت کنم؟ چه داستانی می‌تواند مهارت من را نمایان کند و صدای شخص درون من باشد؟

چه داستانی می‌تواند کمک کند که نویسنده بهتری شوم؟ آیا می‌توانم داستان بهتری را با راوی شخص اول بنویسم؟ می‌توانم روایت سوم شخص را تجربه کنم؟ یا حتی راوی دوم شخص؟ آیا می‌توانم از زاویه دید یک کودک داستان را بیان کنم؟ یا یک زن؟ به عبارت دیگر: چگونه می‌توانم مهارت خود را در داستان بعدی به محک آزمون بگذارم؟

مخاطب چه چیزی را می‌خواهد بخواند؟ همین الان در حال نوشتن مطلبی برای یک مجله ادبی هستم. چه نوع داستانهایی را سردبیران مجله‌های ادبی دوست دارند بخوانند؟ چگونه می‌توانم داستانی بدوزم که به تن خواسته‌های آن‌ها خوب بنشیند؟ درباره چه چیزی می‌خواهم بنویسم؟ درباره چه چیزی در این چند وقت اخیر زیاد فکر کرده‌ام؟ چه اتفاقی در زندگی من رخ داده است که دوست دارم آن را به همه نشان دهم؟ چه تجربه‌ای در کودکی من وجود داشته که می‌خواهم به آن معنا بدهم؟ آیا این همان داستانی است که باید تعریف کنم؟

خودتان را غافلگیر کنید. تفکرات خود را پس نزنید و سانسور نکنید و وقتی به ایده احمقانه‌ای می‌رسید، به خودتان بختندید.

ایده‌های خود را روی تکه‌ای کاغذ بنویسید؛

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر

وقتی ایده‌ای را پذیرفتید، آن را ادامه دهید؛ پس، ایده‌های غلط را انتخاب نکنید.

«جو باتینگ» نویسنده و رییس انجمن پرورش نویسنده و صاحب آثاری چون «ساختار نوشتار»، «بیباید داستان کوتاه بنویسیم» و «۱۴ نکته درباره نوشتن غافلگیری»، در مقاله‌ای که در سایت پرورش نویسنده منتشر کرده، درباره تجربه خود در انتخاب طرح داستان، نوشتن و ... پیشنهادهایی را ارائه کرده است.

او می‌گوید: انتخاب آنچه درباره آن می‌خواهید بنویسید، تصمیم بسیار مهمی است که هر نویسنده‌ای باید بگیرد. اگر انتخاب شما ضعیف باشد، کار را تمام می‌کنید اما متوجه می‌شوید که هیچ‌کس تمایلی به نوشته شما ندارد؛ بدتر از آن اینکه، ممکن است وسط کار آن را رها کنید، زیرا به این نتیجه می‌رسید که اصلا نباید از آغاز آن را شروع می‌کردید. پس چطور باید طرح و ایده اصلی داستان خود را انتخاب کنید؟ «جو باتینگ» تاکید می‌کند: چند وقت پیش داستان کوتاهی را به پایان رساندم و تمام هفته پیش را برای تصمیم‌گیری درباره مطلب بعدی گذراندم. این روند ممکن است برای شما کارآمد نباشد اما وقتی خود من می‌خواهم برای نوشتن داستان بعدی تصمیم بگیرم، این نکات را به‌کار می‌گیرم:

۱- آرامش خود را حفظ کنید

پیش از این برای نوشتن مطلب بعدی فشار زیادی را تحمل می‌کردم؛ عصبی می‌شدم و دائم این طرف و آن طرف می‌رفتم. نتیجه کار همیشه فاجعه‌بار بود. فرایند ایده‌پردازی وقتی بسیار عجولانه عمل می‌کنید رخ نمی‌دهد. مجله‌ای برزاید و برای قدم زدن بیرون بروید. پرنده‌ها را نگاه کنید. به خودتان اجازه دهید تا کمی تبلی کنید. خلاقیت نیازمند آرامش کامل است. وقتی آرام باشید، ذهن شما توانایی پیدا می‌کند تا به هرجایی سرک بکشد، به انواع ایده‌های متفاوت ناخنک بزند، عجایی را کشف کند و با چیزهای غریبی ارتباط برقرار کند.

دور کردن خودمان از فشارهای عصبی ایده‌های عالی را به ذهن می‌آورد. به اتاق فکر ناخودآگاه خود اجازه دهید تا با شما سخن بگوید.

۲- ایده‌های زیادی را دنبال کنید

انتخاب مطلب برای نوشتن نوعی گفت‌وگو است میان مهارت، بلندپروازی، روح و مخاطبان شما. هنگامی که ایده‌های جدیدی به ذهن من خطور

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر

سه جفت چشم تپله‌ای منظر در پیچ و خم‌های روستای کوهستانی حیدرآباد سراب، انتظار تیمی را می‌کشند که قرار است برای تهیه خبر به مدرسه سه نفره‌شان سر بزنند. این روستا که در جوار مرتفع‌ترین قله استان آذربایجان شرقی قرار گرفته، ناخودآگاه هر بیننده‌ای را به یاد بچه‌های کوه آلپ می‌اندازد. بچه‌های کوه آلپ در حیدرآباد و تیرشاپ!

مقصدام، کلاس درسی در روستای حیدرآباد در همسایگی جنوار داغی سراب در دل کوه‌های سیلان، بلندترین قله استان آذربایجان شرقی بوده که آقای فرشاد نامدار، تعلیم و تربیت سه دانش‌آموز روستا را عهده‌دار شده است. دانش‌آموزان این کلاس درس بی‌شباهت به بچه‌های کوه آلپ نیستند و سادگی و پشتکارشان، هر مخاطبی را به یاد دنی، لوسین و آنت می‌اندازد.

حضور آقای نامدار در مدرسه این روستای کم برخوردار و رفت و آمد با اعمال شاقه در مسیر سنگلاخی آن، امیر عباس کلاس اولی، طاهای کلاس ششمی و نازنین زهرای کلاس پنجمی را روز به روز به معلم شدن، پلیس شدن و دکتر شدن نزدیک می‌کند، رویاهایی به بلندی قله سیلان که بدون وجود معلم، محقق نمی‌شوند.

نامدار با هشت سال سابقه خدمت، بومی شهرستان سراب بوده و دومین سال خدمتش را در این روستا با هشت خانوار سپری کرده و تا رسیدن به مدرسه، مشقت‌های فراوانی را تحمل می‌کند، در روستایی کاملاً صعب‌العبور که طبق پرس و جویمان از محلی‌ها، آژانس‌های سراب با کم‌تر از یک میلیون تومان راضی به حمل و نقل مسافر از این روستا نمی‌شوند، آن هم برای یک روز و باید به نوعی قید دل و روده ماشینت را بزنی تا در این روستا رانندگی کنی.

خبر

ناصر تقوایی، کارگردان نامدار سینمای ایران درگذشت

طرح نو؛ گروه فرهنگ و خبر

ناصر تقوایی، نویسنده، فیلمساز و کارگردان کشورمان صبح دیروز، سه‌شنبه ۲۲ مهرماه درگذشت.

بر اساس تأیید خانه سینما و پستی که همسر تقوایی در فضای مجازی منتشر کرده، این هنرمند به دلیل عوارض ناشی از بیماری و کھولت سن که در سال های اخیر او را خانه نشین کرده بود ، در بیمارستان نیکان تهران درگذشت.

ناصر تقوایی خود در نوشتاری بیوگرافی‌اش را این چنین شرح داده است:

«تابستان سال ۱۳۲۰ خورشیدی، در گرمای جنگ جهانی دوم، در قلب جنگلی از نخل‌های سبتر سبز، در یک روستای عرب‌نشین زاده شدم. در کودکی یک سیاح حرفه‌ای بودم و همراه پدر به دوردست‌ترین بندرهای دریای جنوب سفر کردم و هرکلاس ابتدایی را در شهری و دهکوره‌یی خواندم و هفت سال بعد که به زادگاه خودم برگشتم در عالم خیال یک سندباد نوجوان بودم.

در مدرسه به ادبیات علاقه داشتم، اما ریاضی خواندم. در جوانی داستان کوتاه می‌نوشتم و فریفته‌ی شیوه‌های نو بودم، اما باز نمی‌دانم چه شد که از سینما سر درآوردم.

در این مسیر به آدم‌های دانا برخوردم و صحنه‌های جالب، ولی زندگی خودم هیچ صحنه‌ی جالبی ندارد. تنها شانس من در زندگی شاید این بوده که با یک تولد ناخواسته شصت سال تمام مثل یک آدم زیادی در کنار یک ملت کهنسال زندگی کرده‌ام. دوازده داستان کوتاه، سیزده فیلم گزارشی و مستند، سه فیلم کوتاه داستانی، شش فیلم بلند سینمایی و یک مجموعه‌ی شانزده ساعته‌ی تلویزیونی در کارنامه‌ی من دیده می‌شود. به اضافه‌ی یک مجموعه عکس و اسلاید از طبیعت و زندگی و فرهنگ این مرز و بوم، در هزار و یک نما. با اینهمه از دور تنبل جلوه می‌کنم. چرا که در این ده ساله، به دلایلی که ناگفتنش بهتر، کارهای تازه‌ی مرا نه کسی خوانده، نه کسی دیده ...»

تقوایی که در فیلم‌سازی علاوه بر ساخت فیلم کوتاه، فیلم‌های بلندی چون «آرامش در حضور دیگران»، «صادق کرده»، «ناخدا خورشید»، «ای ایران»، «کاغذ بی‌خط» را ساخته است، در سال‌های بعد و پس از متوقف شدن دو فیلم «زنگی و رومی» و «چای تلخ» مستند کوتاه «مترین آخر» را درباره‌ی تعزه به ساخت.

سال ۱۳۸۳، شورای ارزشیابی هنرمندان در وزارت ارشاد، مدرک درجه یک هنری کشور (معادل دکترا) را به ناصر تقوایی، اعطا کرد.

در جشن سیزدهم خانه سینما، تندیس شایستگی جشن سینمای ایران به‌خطای یک عمر دستاورد هنری به «ناصر تقوایی» اهدا شد و در جشن چهاردهم انجمن فیلم کوتاه از ناصر تقوایی تقدیر کرد./ ایسنا

۴- از اتاق فکر ناخودآگاه خود بپرسید

اگر بر این باور هستید که اشتیاق بسیار زیادی برای نوشتن ایده خود دارید، پایان دادن به آن ساده‌تر است.

هنگامی که فهرست ایده‌های خود را بررسی می‌کنم، همیشه به همان مکان آرام و کوچک خودم، جایی که اتاق فکر در آن قرار دارد می‌روم و می‌پرسم: «آیا باید درباره این موضوع بنویسم؟»

اگر اتاق فکر من بگوید «نه» آن موضوع را کنار می‌گذارم؛ که اکثر اوقات همین را می‌گوید. دیر یا زود، به ایده‌ای می‌رسم که اتاق فکر پاسخ آری را می‌دهد. به‌نظر عجیب می‌رسد اما دوست دارم این کار را دو بار انجام دهم تا اطمینان پیدا کنم که واقعا ناخودآگاه من پاسخ داده است و نه عاقلم؛ عقل من کمی حیل‌گر است و دوست دارد کنترل‌کننده باشد. پس معمولا برای بار دوم می‌پرسم: «واقعا؟ اطمینان داری؟» اگر چند بار پشت سر هم پاسخ مثبت را بشنوم، بازی شروع می‌شود.

۵- دوباره از خود بپرسید

اگر تمام مراحل بالا را انجام دادید، وقت آن است که کار را شروع کنید. کمی تحقیق کنید. یک صحنه را بنویسید و شخصیت‌پردازی کنید.

با این وجود، خود من وقتی در همان مراحل اولیه کار هستم، پیش از آنکه کاملا به ایده‌ای که انتخاب کرده‌ام بپردازم، دوباره درباره آن فکر می‌کنم. آیا واقعا این داستانی است که باید آن را بنویسم؟ آیا داستان بهتری درون آن نهفته است؟ اگر قرار باشد کاری را کنار بگذارم، ترجیح می‌دهم در همان آغاز باشد؛ پیش از آنکه کلی زمان را هدر بدهم.

نکته: اگر آدم کثیرالشکی هستید، احتمالا همان پرسش و فکر دوم کافی است؛ نوشتن را شروع کنید.

۶- اکنون که انتخاب کردید ...

پیش از آنکه به ایده‌ای پاسخ مثبت بدهید، باید به بسیاری از ایده‌ها نه بگویید. بیشتر روند قبل از نوشتن، همین گفتن نه به بسیاری از ایده‌ها است.

هرچند وقتی انتخاب خود را کردید، باید خود را وقف آن کنید. بارها پیش می‌آید که کاری را تمام می‌کنید اما به‌نظر می‌رسد کاری ابلهانه و دردآور بوده و ارزش صرف وقت را نداشته است. تمامی فرایندهی که در بالا گفته شد برای ایجاد باور نسبت به ایده شما است تا از شک و تردیدی که در میانه کار برای شما پیش می‌آید، به‌سلامت عبور کنید.

وقتی ایده‌ای را پذیرفتید، آن را ادامه دهید؛ پس، ایده‌های غلط را انتخاب نکنید.

معلمانی که در سردترین نقطه استان برای ۳ دانش‌آموز تدریس می‌کنند

بچه‌های کوه آلپ در حیدرآباد و تیرشاپ سراب

دیگر تفاوتی ندارد برای ۳۰ دانش‌آموز، معلم کنی یا سه نفر.

این آموزگار، که دانش‌آموزانش را عین فرزندان خودم می‌داند، می‌گویدکه خدای بچه‌ها را پیش از خودشان می‌بیند و در طول سال‌های خدمتش حتی یک بار هم نشده است که کم کاری کند.

او در کنار تدریس به عنوان رسالت ذاتی یک معلم، در هدایت دانش‌آموزان به سمت آینده تحصیلی و شغلی بهتر هم تلاش کرده و با توجه به بضاعت کم اغلب خانواده‌ها در روستاهای این منطقه، خانم ابوترابی همواره تلاش کرده است تا با برگزاری کلاس‌های تقویتی رایگان، دانش‌آموزان از آزمون‌های خاصی مانند آزمون مدارس تیزهوشان، نمونه دولتی و کنکور جا نمانند.

او از اینکه موفقیت بسیاری از دانش‌آموزانش را که حالا هر کدام کارهای شده و ادامه تحصیل داده و در رشته‌های دانشگاهی پذیرفته شده‌اند، ابراز خوشحالی می‌کند و تدریس در روستاهای دورافتاده برای دانش‌آموزان این روستا را موهبتی الهی و جزو بهترین سال‌های عمرش می‌داند و با اشاره به استفاده از روش‌های تدریس تلفیقی می‌گوید که کلاسش مورد تأیید بازدیدکنندگان و راهبران آموزشی اداره آموزش و پرورش بوده است.

این آموزگار که تجربه تدریس در تمامی شش پایه مقطع ابتدایی را دارد، پنجمین سالی است که در روستای تیرشاپ سراب، مشغول به تدریس است و سه دانش‌آموز از پایه‌های سوم و پنجم دارد و می‌گوید که انسان چه کارمند باشد و چه معلم، باید طوری کار کند که شرمنده خدا و خلقتش نشود و با بیان اینکه در طول سنوات خدمتم، کم کاری نکرده‌ام، ادعایی هم ندارد.

ایسنا

دانش‌آموز راهی منطقه صعب العبور می‌شود می‌گوید:

حالا که ۲۹ سال از سال‌های خدمتم گذشته؛ به خودم می‌گویم چه جسارتی داشتیم که آن همه سال، مسیر روستاهای سرد و صعب‌العبور را تا مدرسه آن هم در آن برف وحشتناک، پیاده طی می‌کردیم، جز عشق به معلمی و انگیزه و دست خدا که همراهمان بود، چه چیز دیگری می‌توانست، دل ما را در آن سرمای غیرقابل وصف که گاهی از فرط سرما تارهای مژه‌هایمان هم یخ می‌بست، گرم کند؟

او هنوز هم دلگرم به همان عشق و انگیزه ۲۹ سال قبل، خدمت در مدارس روستایی سراب را ترجیح می‌دهد، منطقه‌ای که اغلب در فصل سرما به عنوان سردترین شهر استان آذربایجان شرقی و در بعضی موارد، سردترین نقطه کشور، معرفی می‌شود.

سال‌ها خدمت در روستاهای بسیار دورافتاده منطقه سراب و بیتوته در آن‌ها به دلیل عدم امکان رفت و آمد، حاصل همت و علاقه این آموزگار به حرفه‌ی خودش بوده و حالا به مدت پنج سال است که در روستای نام آشنای تیرشاپ سراب، سنگر علم و ادب را با سه دانش‌آموز روستا حفظ کرده است. همان روستایی که در زمین لرزه آبان ماه ۱۳۹۸ خسارت عدیده‌ای را متحمل شده بود و از همان روز تا به الان که نزدیک به شش سال از آن حادثه سپری می‌شود، بیست خانوار روستا به تعداد انگشتان یک کف دست، کاهش یافته‌اند.

مسیر روستا صعب‌العبور نیست، ماشین رو هم نیست و در آبان ماه که فصل پادشاهی برگ‌های زرد و پاییز است، دمای هوا در این روستا به طور معمول زیر صفر است. برای شنیدن تجربه این آموزگار پای صحبت او نشسته‌ایم و او از معلمی برای سه دانش‌آموز روستای تیرشاپ می‌گوید، خانم ابوترابی معتقد است که کار که برای خدا باشد و وجدان کاری که داشته باشی،



نامدار، معلمی را –که شغل انبیا خوانده‌اند–، بهترین شغل در راه خدمت به مملکت و مردم می‌داند و تربیت دانش‌آموزان با ایمان و خدمت‌گزار برای مملکت که ادامه دهنده راه شهیدان باشند را از اهداف تربیتی خود عنوان کرده و می‌گوید: تعداد دانش‌آموز مهم نیست، مهم خدمت در راه خدا است، چه برای سه دانش‌آموز و چه ۳۰ دانش‌آموز.

این معلم، جوانب فروتنی را که مختص یک معلم است، رعایت کرده و با بیان اینکه سختی‌هایی در این راه است، تلاش برای موفقیت‌دانش‌آموزان را آسان کننده سختی‌ها می‌داند.

او در پاسخ به راه‌های تحقق عدالت آموزشی می‌گوید: به نظرم عدالت آموزشی یعنی فراهم کردن امکانات آموزشی و دسترسی آسان همه دانش‌آموزان در سن تحصیل، حتی تعداد اندک نیازمند آموزش بوده که این اتفاق به برکت انقلاب در کشور محقق شده است.

خدايشان را قبل از خودشان دیدم

فرزانه ابوترابی، معلم دیگری که برای تدریس به سه

تفویض؛

هنر آرامش در دنیای پرهیاهو

طرح نو؛ زهرا ژرفی مهر
در فراز نورانی «افُوضُ أُمْرِي إِيْلَىٰ إِلَهٍ إِنَّ إِلَهَ بَصِيْرٌ بِالْعِبَادِ» راز بزرگ آرامش و نجات انسان نهفته است. این جمله کوتاه، اعلام یک تصمیم آگاهانه برای سپردن امور به قدرتی فراتر از محدودیت‌های بشر است؛ قدرتی که با «بصیرت» بی‌نقص، جزئی‌ترین حالات بندگان و پیچیده‌ترین شرایط زندگی آنان را می‌داند.

در سطح فردی، تفویض امر به خداوند یک فرایند روان‌شناختی سازگار است که اضطراب را کاهش می‌دهد، ذهن را از بار سنگین نگرانی آزاد می‌سازد و به انسان اجازه می‌دهد تمرکز خود را بر تلاش‌های ممکن و مسئولیت‌های واقعی بگذارد. جامعه‌ای که افرادش این نگاه را درونی کرده‌اند، از آسیب‌های شایع بی‌فراری جمعی، یأس اجتماعی و موج‌های ناامیدی مصون می‌ماند.
در بعد اجتماعی، تفویض، به معنای قطع امید از ابزارهای صرفاً مادی نیست، بلکه بهره‌گیری از عقل، تجربه و تلاش در کنار پذیرش این واقعیت است که نتیجه نهایی، تحت اراده و تدبیر الهی رقم می‌خورد. این نگرش، مدیران را از خودمحموری بازمی‌دارد و شهروندان را به همکاری در مسیر خیر عمومی ترغیب می‌کند، زیرا وقتی همه باور دارند «خدا بیناست»، عدالت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری تقویت می‌شود.
در شرایط اقتصادی و فرهنگی پرچالش، این آیه تبدیل به منشور مقاومت و امید می‌شود؛ مردمی که امور را با قلبی مطمئن به خداوند می‌سپارند، نه تسلیم انفعال می‌شوند و نه فرسوده از مشکلات؛ بلکه در سایه این اطمینان، برنامه‌ریزی، اصلاح و حرکت را با آرامش ادامه می‌دهند.
پس، تفویض امر نه پایان کار، که آغاز راهی است که در آن تلاش انسانی با اتکای معنوی گره می‌خورد راهی که حاصلی جز امنیت درونی، انسجام اجتماعی و موفقیت پایدار ندارد.

بعد فردی؛ آرامش روان و خودمهارگری
در بعد فردی، تفویض امر به خداوند مانند سپری استوار عمل می‌کند که ذهن و روان انسان را در برابر موج‌های اضطراب و نگرانی محافظت می‌سازد. هنگامی که فرد می‌آموزد همه رویدادها را به کنترل کامل خود نیازمند نداند و نتیجه را به تدبیر پروردگار بسپارد، آرامشی عمیق درونی شکل می‌گیرد. این آرامش، زمینه افزایش خودمهارگری و تمرکز بر مسئولیت‌های واقعی زندگی را فراهم می‌آورد و امیدی پایدار، بر پایه یقین به بصیرت الهی، در قلب او جوانه می‌زند؛ امیدی که او را از فرو افتادن در ورطه یأس و ناامیدی بازمی‌دارد و مسیر تلاش همراه با معنویت را هموار می‌سازد.

بعد خانوادگی؛ انسجام و همدلی

در بعد خانوادگی، روحیه تفویض و سپردن امور به خداوند به‌مثابه یک نیروی آرام‌بخش عمل می‌کند که روابط میان اعضا را از تنش و فرسایش دور می‌سازد. هنگامی که نگرانی‌های مالی، تربیتی و دغدغه‌های آینده فرزندان با نگاه مبتنی بر توکل مدیریت می‌شود، فشار روانی میان اعضای خانواده کاهش یافته و فضای گفت‌وگو و تصمیم‌گیری سازنده جایگزین درگیری‌های خاموش یا شفاف‌های عاطفی می‌گردد. چنین رویکردی، همدلی و درک متقابل را تقویت می‌کند؛ زیرا هر یک از افراد به‌جای سرزنش یا مطالبه‌گری افراطی، نگاهشان را به راه‌حل‌های مشترک و رحمت پروردگار معطوف می‌دارند. در نهایت، اعتماد به تدبیر الهی رقابت‌های ناسالم را می‌زاید و بستری سرشار از محبت، انس و حمایت متقابل در کانون خانواده پدید می‌آورد.

بعد اجتماعی؛ اعتماد و همکاری عمومی

در بعد اجتماعی، ایمان به این حقیقت که «اله بصیر بالعباد» است، بنیان اعتماد عمومی را استوار می‌سازد و سرمایه اجتماعی جوامع را غنی‌تر می‌کند. باور به عدالت و بصیرت الهی، مردم را به رعایت حق، انصاف و پابندی به اصول اخلاقی سوق می‌دهد و از بروز شکاف‌ها و تفرقه‌های بی‌اساس جلوگیری می‌کند. هنگامی که شهروندان از نگاه صرفاً رقابتی فاصله گرفته و رویکرد مشارکتی را جایگزین می‌کنند، همکاری و همبازی در حل مسائل مشترک افزایش می‌یابد. تفویض امر به خداوند همچنین حس مسئولیت‌مشترک در میان افراد تقویت کرده و زمینه هم‌افزایی اجتماعی را فراهم می‌آورد؛ به گونه‌ای که هر فرد خود را بخشی از مسیر خیر

گزارش – خبر

بررسی خطر هویتی و تمدنی کاهش جمعیت در ایران

از پرستیژ فرزندآوری کمتر تا چشم‌انداز جمعیتی ۱۴۸۰



خواهند گرفت.

باید کمبیین‌هایی طراحی شود که به‌طور مستقیم چالش‌هایی را که خانواده‌های بزرگ در جامعه با آن مواجه هستند، هدف قرار دهد و در مقابل، فرزندآوری را به عنوان نمادی از مسئولیت‌پذیری، قدرت

آینده‌نگری و تعهد ملی معرفی کند.

اگر جامعه‌ای فرزندآوری را علامت ضعف یا عقب‌ماندگی بداند، باید تلاش شود که فرزندآوری موفق و هوشمندانه به عنوان نماد قدرت مدیریتی والدین بر زندگی، نماد امید به آینده و تعهد به تداوم ایران تلقی شود. برجسته کردن خانواده‌های پرجمعیتی که هم‌زمان در عرصه‌های علمی، اقتصادی و فرهنگی موفق هستند، برای شکستن کلیشه «کمتر بچه‌دار شدن = موفقیت بیشتر» موثر خواهد بود. و در حالی که تمرکز فرهنگی ضروری است، نباید نگرانی‌های عملی والدین را نادیده گرفت. مشوق‌ها باید از حالت موقتی (مانند وام‌های کوتاه‌مدت) خارج شده و به مشوق‌های ساختاری تبدیل شوند که در محاسبات بلندمدت خانواده‌ها تأثیر بگذارد.

در این راستا باید یک سیاست ملی بلندمدت برای تأمین مسکن متناسب با تعداد فرزندان اجرا شود. نه تنها وام، بلکه اولویت‌دهی جدی به دسترسی به مسکن با قیمت مناسب برای خانواده‌هایی که متعهد به فرزندآوری هستند.

هزینه آموزش و مراقبت از کودک (مه‌دکودک‌ها) باید به شدت یارانه‌ای یا رایگان شود تا مادران بتوانند با حفظ حضور فعال در بازار کار، به دغدغه‌های مالی خود نیز رسیدگی کنند. اگر هزینه نگهداری کودک از درآمد مادر بیشتر باشد، تصمیم منطقی، کاهش تعداد فرزندان خواهد بود.

در کنار این دو مطلب، ایجاد قوانین سختگیرانه‌تر برای حمایت از زنان پس از مرخصی زایمان و تضمین عدم تبعیض در ارتقای شغلی برای والدینی که تعداد فرزند بیشتری دارند.

جنگ برای آینده تمدن

پیش‌بینی وزیر کشور مبنی بر رسیدن جمعیت ایران به کمتر از ۴۰ میلیون نفر تا سال ۱۴۸۰، یک زنگ خطر واقعی است که اگر محقق شود، ایران را به یک قدرت منطقه‌ای پیر، کم‌تحرک و آسیب‌پذیر تبدیل خواهد کرد.

بحران کاهش جمعیت در ایران یک چندوجهی است: اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هویتی. راه‌حل‌های دیمی و مقطعی تأثیری نخواهند داشت. ما در آستانه یک انتخاب تمدنی قرار داریم: یا جامعه‌ای را پرورش دهیم که بقای خود را در اولویت قرار دهد و برای آینده‌ی دورست برنامه‌ریزی کند، یا در دام فردگرایی و خودمحموری جمعیتی گرفتار شویم که نتیجه آن، تبدیل شدن به یک ملت پیر و در نهایت، ضعف در انتقال هویت و میراث عظیم فرهنگی‌مان خواهد بود.

اقدام فوری و همه‌جانبه فرهنگی و اجتماعی، که ارزش خانواده و فرزندآوری را به سطح یک «مسئولیت مقدس ملی» ارتقا دهد، به اندازه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی برای جلوگیری از تبدیل شدن پیش‌بینی ۱۴۸۰ به واقعیت، حیاتی است. این یک جنگ برای آینده تمدنی ایران است و زمان برای تردید باقی نمانده است.

الف) فشار هزینه‌های زندگی و مسکن: مانع عملی، هزینه‌های نجومی مسکن، آموزش و بهداشت است. وقتی یک زوج جوان می‌بیند که تأمین یک مسکن استاندارد برای خود چالشی بزرگ است، هزینه اضافه کردن یک فرزند (با فرزندان بیشتر) به یک بار مالی غیرقابل تحمل تبدیل می‌شود. در این شرایط، فرزندآوری به یک «ریسک اقتصادی بزرگ» تبدیل می‌شود، نه یک سرمایه‌گذاری عاطفی.

ب) فردگرایی و تغییر سبک زندگی: هم‌زمان با فشارهای اقتصادی، سبک زندگی در شهرنشینی مدرن به شدت به سمت فردگرایی گرایش یافته است. اولویت‌بخشی به «کیفیت زندگی فردی» (سفر، تفریحات، ارتقای شغلی، تحصیلات عالی) بر تعهدات خانوادگی سنگین ترجیح داده می‌شود. فرزندآوری به عنوان مانعی بر سر راه این اهداف شخصی تلقی می‌شود.

ج) تبدیل شدن فرزند نداشتن به نشانه‌ی پرستیژ اجتماعی: متأسفانه، در بخش‌هایی از نخبگان شهری و طبقات متوسط به بالا، تعداد کم فرزند (یک یا صفر) در حال تبدیل شدن به یک «نشانه‌ی پرستیژ» است. این پرستیژ مبتنی بر مفاهیمی است مانند: کنترل کامل بر زندگی؛ نشان می‌دهد که فرد به لحاظ مالی و زمانی کاملاً بر زندگی خود مسلط است و نیازی به وابستگی‌های سنتی ندارد.

توانایی مالی بالا: این پیام منتقل می‌شود که «ما می‌توانیم فرزندانمان را به بهترین مدارس بفرستیم و تنها روی یک یا دو نفر سرمایه‌گذاری کنیم تا بهترین نتیجه را بگیریم.» این منطق «کیفیت بر کمیت»، در تضاد مستقیم با نیاز تمدنی به کمیت پویا قرار می‌گیرد.

مردن بودن: پیروی از الگوهای جمعیتی کشورهای توسعه‌یافته به عنوان مترادف مدرنیته تلقی می‌شود، در حالی که آمار هشداردهنده جمعیت‌شناختی این کشورها نادیده گرفته می‌شود. این تبدیل شدن به پرستیژ، مبارزه را سخت‌تر می‌کند، زیرا دیگر نمی‌توان تنها با وام‌های مسکن این پدیده را حل کرد؛ زیرا عامل اصلی تبدیل به یک ارزش فرهنگی یا نماد جایگاه شده است.

لزوم اقدامات اصلاحی فرهنگی و اجتماعی همه‌جانبه

اگر بحران کاهش جمعیت یک معضل فرهنگی-اجتماعی-هویتی باشد، راهکارهای صرفاً اقتصادی محکوم به شکست هستند. مشوق‌های مالی مانند وام فرزندآوری، تنها افراد طبقاتی را که صرفاً به دلیل نداشتن سرمایه اولیه اقدام نمی‌کنند، ترغیب می‌کند، اما نمی‌تواند نگرش فردگرایانه یا پرستیژ فرزندی را تغییر دهد. نیاز به یک بسیج ملی فرهنگی است.

بنابراین دولت و نهادهای فرهنگی باید روایتی قوی و جذاب از خانواده پرجمعیت و چندفرزندی ارائه دهند که با ارزش‌های مدرن و در عین حال اصیل ایرانی هم‌خوانی داشته باشد.

همچنین ساخت و پخش سریال‌ها، مستندها و برنامه‌هایی که نه تنها سختی‌ها، بلکه غنای عاطفی، پویایی اجتماعی و حمایت متقابل موجود در خانواده‌های بزرگ را به تصویر بکشند. و نیز

معرفی خانواده بزرگ به عنوان «بیمه اجتماعی پایدار» در برابر بحران‌های آینده، در برابر اتکای صرف به سیستم‌های حمایتی دولتی که در صورت کاهش جمعیت، به شدت تحت فشار قرار

طرح نو، سردبیر
«اگر روند فعلی کاهش جمعیت ادامه پیدا کند، تا سال ۱۴۸۰ جمعیت کشور به کمتر از ۴۰ میلیون نفر خواهد رسید و این یک خطر هویتی و تمدنی است.» این جمله، که از زبان وزیر کشور، صادر شده است، نه یک پیش‌بینی آماری صرف، بلکه یک هشدار صریح و حیاتی در خصوص آینده ایران است. در نگاه اول، این بحران ممکن است تنها در چارچوب تحلیل‌های اقتصادی (مانند فشار بر صندوق‌های بازنشستگی، کمبود نیروی کار در دهه‌های آتی، یا رکود مصرف‌کننده) مورد بررسی قرار گیرد. اما هشداری که وزیر کشور مطرح کرده، ابعاد بسیار عمیق‌تری دارد: ابعادی که مستقیماً به ساختار اجتماعی، پویایی فرهنگی و در نهایت، بقای تمدنی ایران گره خورده است. کاهش نرخ باروری کل در ایران به‌به زیر آستانه جایگزینی (۲.۱ فرزند برای هر زن) و سقوط آن به سطوح بسیار پایین‌تر (در برخی مناطق حتی زیر ۱.۵) زنگ خطری است که نیازمند واکنشی فزاینده از راهکارهای مکانیکی و صرفاً اقتصادی است.

بحران کاهش جمعیت در ایران به هیچ وجه یک معضل ساده اقتصادی نیست که بتوان با تزریق منابع مالی یا تغییرات در سیاست‌های یارانه‌ای آن را حل کرد. این بحران، بنیان‌های تمدنی ما را هدف قرار داده است.

تأثیر بر توانایی حفظ مرزها و پویایی ملی: یک ملت برای حفظ حیات، استقلال و تمامیت ارضی خود نیازمند یک ظرفیت جمعیتی پویا و جوان است. کاهش نرخ زاد و ولد به معنای پیر شدن سریع ساختار سنی جمعیت است. با گذشت زمان، سهم افراد در سن کار (گروه‌های سنی ۱۵ تا ۶۴ سال) کاهش یافته و سهم سالمندان افزایش می‌یابد. این امر مستقیماً بر توانایی کشور در تأمین نیروهای لازم برای دفاع، امنیت مرزها و حفظ زیرساخت‌های حیاتی تأثیر می‌گذارد. جامعه‌ای که نیروی جوان برای خدمت سربازی یا فعالیت‌های امنیتی در اختیار ندارد، در معرض آسیب‌پذیری‌های مضاعف قرار می‌گیرد.

رکود سرمایه‌گذاری بلندمدت و نوآوری: تمدن‌ها برای پیشرفت و حفظ جایگاه خود در نظم جهانی نیازمند سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و ریسک‌پذیر هستند. این سرمایه‌گذاری‌ها (مانند توسعه فناوری‌های پیشرفته، اکتشافات علمی یا پروژه‌های زیرساختی عظیم) معمولاً توسط نسل‌هایی انجام می‌شود که آینده‌نگر بوده و احساس تعلق قوی به بقای بلندمدت جامعه خود دارند. جامعه‌ای با نرخ زاد و ولد پایین، با چالش «انگیزه برای آینده» روبرو است. چرا یک نسل باید برای ساختن زیرساخت‌هایی سرمایه‌گذاری کند که نیازمند ۵۰ سال ثبات و پویایی است، در حالی که خود می‌داند جمعیت جانشین برای بهره‌برداری از آن بسیار اندک خواهد بود؟ این امر منجر به یک «سن‌دروم خودمحموری جمعیتی» می‌شود، جایی که تمرکز از توسعه بلندمدت ملی به تأمین رفاه کوتاه‌مدت نسل فعلی (سالمندان و بزرگسالان میانسال) تغییر می‌کند.

فرسایش هویت فرهنگی و میراث اجتماعی: هویت تمدنی یک کشور از طریق انتقال نسل به نسل منتقل می‌شود؛ نه فقط از طریق کتب تاریخی، بلکه از طریق زبان، آداب و رسوم، آیین‌های خانوادگی و ساختارهای اجتماعی زنده. کاهش شدید جمعیت، به ویژه در مناطق اصلی و تاریخی، به معنای کاهش شدید تعداد افرادی است که این میراث را به صورت روزمره تجربه و اجرا می‌کنند.

اگر پیش‌بینی ۱۴۸۰ به حقیقت بپیوندد و جمعیت زیر ۴۰ میلیون نفر سقوط کند، نسبت سالمندان به جوانان به حدی نامتعادل خواهد شد که انتقال پویای فرهنگ ملی دشوار خواهد شد. فرهنگ به جای آنکه محصولی زنده باشد، تبدیل به موزه‌ای از گذشته می‌شود که تعداد بازدیدکنندگان جوان آن اندک است. این امر ریسک «از دست رفتن هویت» در مواجهه با الگوهای فرهنگی غالب جهانی را به شدت افزایش می‌دهد.

بحران جمعیتی در ایران، برخلاف بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته که کاهش جمعیت در آن‌ها ناشی از صنعتی شدن سریع و تغییرات ساختاری بود، بُعد عمیق‌تری یافته است: تبدیل شدن فرزندآوری به یک «انتخاب دشوار» و در برخی طبقات، به یک «علامت اجتماعی منفی».

در دهه‌های گذشته، فرزندآوری اگرچه چالش‌هایی داشت، اما بخشی از ساختار طبیعی و پذیرفته‌شده اجتماعی بود. امروز، این معادله معکوس شده است. چرا؟!‌

خبر

به آفتی که در زمان همه‌گیری کووید-۱۹ رخ داده بود، بهبود یافته است.

به گزارش گاردین، این میزان برای زنان ۷۶.۳ سال و برای مردان ۷۱.۵ سال است که بیش از ۲۰ سال بیشتر از سال ۱۹۵۰ است – اگرچه «تفاوت‌های جغرافیایی آشکار» همچنان پابرجاست و از ۸۳ سال در مناطق پردرآمد تا ۶۲ سال در کشورهای جنوب صحرای آفریقا متغیر است. با این حال، نویسندگان گفتند که به ویژه نگران افزایش میزان مرگ و میر در میان نوجوانان و بزرگسالان جوان هستند.

در آمریکای شمالی و بخش‌هایی از آمریکای لاتین، این افزایش‌ها ناشی از خودکشی و مصرف مواد مخدر و الکل بوده است.

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضارباتی

آدرس تبریز: چهار راه مارالان – روبروی مسجد میانه- پ ۵۲۳ – طبقه ۴ تلفکس: ۸۷۷۱ ۳۵۴۱-۰۴۱

آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- ۲۲-طبقه ۳-واحد ۱۱ تلفکس: ۲۲۲۴۸۵۸۸-۰۴۴

لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز

اخبار

شهردار تبریز خبر داد: اجرای ۵۷ رشته مسیر گشایی جدید در دوره فعلی مدیریت شهری



طرح نو؛ گروه شهری

شهردار تبریز از اجرای ۵۷ رشته مسیر گشایی جدید در دوره فعلی مدیریت شهری خبر داد و گفت: ۲۶ رشته مسیر گشایی جدید در دوره فعلی مدیریت شهری تکمیل شده و تا پایان سال جاری نیز چند رشته مسیر گشایی جدید تکمیل و به بهره‌برداری می‌رسد.

یعقوب هوشیار در گفتگو با شهریار با بیان اینکه ۶۰ درصد طرح تفصیلی تبریز اجرا شده است، اظهار کرد: اجرای کامل طرح تفصیلی تبریز نیاز به بودجه ۳۰۰ همتی دارد، در حالی که بودجه شهرداری تبریز ۴۰ همت است و بدون احتساب تورم ۱۰ سال زمان برای اجرای آن نیاز است.

وی با اشاره به آمار تملکات ادوار قبلی شورای اسلامی شهر خاطرنشان کرد: در دوره چهارم شورای اسلامی شهر ۷۳۸ میلیارد و دوره پنجم ۵۲۸ میلیارد تومان برای تملک مسیر گشایی‌ها هزینه شده است، در حالی که این عدد در دوره فعلی مدیریت شهری تبریز ۱۱ هزار میلیارد تومان است.

شهردار تبریز با اشاره به اجرای ۵۷ رشته مسیر گشایی جدید در دوره فعلی مدیریت شهری یادآور شد: ۲۶ رشته مسیر گشایی جدید در دوره فعلی تکمیل و به بهره‌برداری رسیده و تا پایان سال جاری نیز چند رشته مسیر گشایی جدید نیز به بهره‌برداری می‌رسد. وی تصریح کرد: برخی از این مسیر گشایی‌ها همچون مسیر گشایی شهید آیت‌الله آل‌هاشم که از آن عنوان طرح نجات تبریز و بزرگترین طرح بازآفرینی کشور یاد می‌شود، به زودی به بهره‌برداری می‌رسد. هوشیار با بیان اینکه کل مسیر دوکمال مصوبه ماده پنج دارد و بر اساس آن پروژه در حال اجرا است گفت: برای کاهش ترافیک در این مسیر رمپی به اتوبان پاسداران بازگشایی شد و تلاش داریم تاپایان دوره دوکمال را به رینگ ولایت وصل کنیم. وی اضافه کرد: تملکات مسیر گشایی ملازینال شروع شده که در کنار پروژه‌های شهید آیت‌الله آل‌هاشم و شهید سعیدی، یکی از پروژه‌های مهم بازآفرینی شهری تبریز خواهد بود.

وی ادامه داد: در مسیر گشایی ملازینال که بخشی از بافت ۴۸ هکتاری پرخطر تبریز است، نیاز به ورود دولت و عمل به تعهدات آن در حوزه بازآفرینی شهری است.

احداث پروژه خانه مادر و کودک توسط شهرداری منطقه ۲ تبریز در مرحله احداث دیوارها



طرح نو؛ گروه شهری

شهردار منطقه ۲ تبریز از ادامه عملیات اجرای پروژه فرهنگی خانه مادر و کودک در مرحله احداث دیوارها خبر داد. به گزارش امور ارتباطات، سیدعباس هاشمی با اعلام این خبر گفت: پروژه تقریبی آموزشی خانه مادر و کودک برای بهینه سازی اوقات فراغت خردسالان و کودکان در ۵۵۰ مترمربع مساحت عرصه و با پیش بینی اعتبار اولیه ۱۲۰ میلیاردریال در داخل محوطه پارک زعفرانیه در حال اجرا است و این پروژه فرهنگی در مرحله احداث دیوارها همچنان ادامه دارد.

شهردار منطقه ۲، مزایای احداث خانه مادر و کودک را فراگیری برخی مهارت های زندگی برای کودکان و آموزش قوانین شهروندی برای نونهالان از سنین خردسالی اعلام کرد.

به گفته هاشمی، قسمتی از این پروژه تفریحی و آموزشی در دو طبقه احداث می شود و زیربنای این مرکز فرهنگی ۵۰۰ مترمربع است.

طرح نو

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

آتش سوزی و نکات ایمنی در مواجهه با فرود اضطراری هواپیما

امام علی (ع):

لجاجت، تدبیر را تباه می‌سازد

چهارشنبه ۲۳ مهر ماه ۱۴۰۴ – سال نوزدهم – شماره ۳۱۴۲۱



نشأت گرفته است. البته لازم به ذکر است مطالعه‌ی انجام شده در هندوستان صورت گرفته است، اما به طور کلی دلایل اورژانسی پزشکی از رایج‌ترین مواردی هستند که منجر به فرود اضطراری می‌شوند. به طور مثال، در یکی از پروازهای شرکت هواپیمایی ایرایندیا، یک مسافر ۶۷ ساله فقط چند دقیقه بعد از برخاست هواپیما از زمین دچار حمله‌ی قلبی شد. نتیجتاً هواپیما مجبور به بازگشت به فرودگاه مبدأ و فرود اضطراری شد.

اگر نگاهی به سوابق یک شرکت هواپیمایی داشته باشیم احتمالاً متوجه تعداد فرودهای اضطراری آن شرکت و نحوه‌ی عملکرد خلبان‌ها خواهیم شد. بنابراین به هنگام خرید بلیط هواپیما، انتخاب ایرلاین می‌تواند اهمیت بسزایی داشته باشد. ایرلاین تیکت یکی از سامانه‌های خوشنام در زمینه‌ی فروش آنلاین بلیط هواپیما است. در این وب‌سایت به غیر از مشاهده‌ی لیست کاملی از پروازها به مقصد مورد نظرتان می‌توانید به مقایسه‌ی قیمت بلیط هواپیما پرداخته و به راحتی بلیط خود را در کم‌ترین زمان تهیه نمایید.

از دیگر عوامل فرود اضطراری می‌توان به آب و هوای بد، مشکل در سوخت هواپیما، تهدیدهای امنیتی، دود در کابین و آتش در کابین اشاره کرد.

بوی نامطبوع و تهویه ی نامناسب: در هواپیما تهویه ی مناسب وجود دارد اما اگر این تهویه خوب کار نکند، هواپیما مجبور به فرود اضطراری خواهد شد. حتی یک بار هواپیمای بوئینگ شرکت هواپیمایی ترانسواپا هلند به دلیل بوی بد یکی از مسافران مجبور به فرود اضطراری در پرتغال شد.

آتش سوزی در هواپیما: آتش سوزی در کابین، موتور یا هرجای دیگر هواپیما خلبان را مجبور به فرود اضطراری می‌کند. خدمه ی هواپیما وظیفه دارند جلوی سیگارکشیدن مسافران را بگیرند، زیرا ممکن است باعث آتش سوزی و انفجار شود. برای ساعت های اولیه ی آتش سوزی ماسک هایی طراحی شده است که می‌توانید از آن استفاده کنید.

بیمار شدن خلبان: این موضوع بسیار کم اتفاق می‌افتد، اما اگر خلبانی بیمار شد دو خلبان دیگر هستند که جای او را بگیرند و اگر شرایط خلبان اضطراری بود. هواپیما مجبور به فرود اضطراری خواهد شد. جالب است بدانید این دو خلبان برای کم شدن احتمال مرضی و مسمومیت اجازه ندارند از یک نوع غذا بخورند.

نکات ایمنی در فرود اضطراری هواپیما

در سفرهای هوایی گاهی ممکن است هواپیما مجبور به فرود اضطراری شود. در این موقعیت نکاتی در فرود اضطراری وجود دارند که رعایت آن‌ها در حفظ جان مسافران بسیار تاثیرگذار است.

فرود اضطراری اتفاقی است که هیچ‌وقت در پروازتان نمی‌خواهید، اما آگاهی از اقدامات لازم حین فرود اضطراری می‌تواند به معنای تفاوت بین مرگ و زندگی باشد. به همین دلیل است که هواپیمایی تصاویر جذاب ایمنی پرواز را تهیه کرده و راهنمای تصویری را در پشت هر صندلی قرار داده است.

تنها یک مشکل وجود دارد؛ هیچ‌کس به آن‌ها توجه نمی‌کند. در وضعیت‌های اضطراری ممکن است به سرعت همه چیز از کنترل خارج شود هنگامی که همه چیز در خطر است، خلبان به تنهایی

گرفتگی در سرویس بهداشتی هواپیما: زمانی که توالت هواپیمایی دچار انسداد شود خلبان گزینه‌ی دیگری غیر از فرود اضطراری نخواهد داشت. این دقیقاً همان اتفاقی بود که در یکی از پروازهای شرکت هواپیمایی ملی پاکستان افتاد. هواپیما یک بوئینگ ۷۷۷ بود که از تورنتو کانادا به سمت پاکستان پرواز می‌کرد. به دلیل گرفتگی توالت، هواپیما مجبور به فرود اضطراری در فرودگاه منچستر شد. تمیز کردن سرویس بهداشتی و باز کردن لوله‌های آن در حدود ۵ ساعت به طول انجامید و بعد از آن هواپیما مجدداً به پرواز خود ادامه داد.

مار در هواپیما: برخی از حوادث از داستان‌های تخیلی هم عجیب‌تر هستند، در حالی که دیگر موارد شبیه به فیلم‌های حادثه ای و جنایی می‌باشند. یکی از ترسناک‌ترین اتفاقات در هواپیما که ممکن است منجر به فرود اضطراری شود وجود مار در هواپیماست. مثالی که در این قسمت می‌توان ذکر کرد یک پرواز تجاری در مکزیک است. مسافر این پرواز در حالی که بر روی صندلی خود نشسته بود متوجه بیرون خیزدن یک مار از محفظه‌ی بالای سرش می‌شود. او ترسیده و مهمانداران هواپیما را خبر می‌کند. خلبان نیز موقعیت اورژانسی اعلام کرده و هواپیما مجبور به فرود اضطراری در فرودگاه مکزیکو سیتی می‌شود. در آن فرودگاه پرسنل متخصص مشکل را بر طرف می‌کنند و هواپیما به پرواز خود ادامه می‌دهد.

رفتار بد مسافران: رفتار بد مسافران یکی از دلایل رایج در فرودهای اضطراری قلمداد می‌شود. اما شاید فکر کنید منظورمان از رفتار بد چیزی شبیه به دعواهای لفظی با خدمه‌ی پرواز باشد، اما این طور نیست. به طور مثال در یکی از پروازهای ایرلاین ارزان قیمت ایندیو گو که از دوبی به سمت یکی از شهرهای هندوستان حرکت می‌کرد، یکی از مسافران شروع به بلدرفتاری با مسافران دیگر و خدمه‌ی کابین کرده، سپس چرخ دستی غذا را از خدمه گرفته، روی آن نشسته و شروع به راندن آن در کابین می‌کند. خلبان آن پرواز مجبور شد هواپیما را سمت بمبئی هدایت کرده و آن‌را به زمین می‌نشانند. بعد از آن پلیس مرد خاطی را تا بیرون هواپیما هدایت کرد.

بوی مشمئز کننده: در طول پرواز چنانچه بوی ناخوشایندی وارد هوای کابین شود، هیچ کس قادر به از بین بردن آن نخواهد بود. زمانی که یکی از مسافران پرواز شرکت هواپیمایی بریتیش از لندن به مقصد دوبی، بوی بسیار ناخوشایندی را گزارش کرد، خلبان تنها بعد از ۳۰ دقیقه پرواز مجبور به فرود اضطراری شد.

برخورد با پرندگان: برخورد پرندگان با هواپیما علی‌الخصوص موتور هواپیما، یکی از رایج‌ترین دلایلی‌ست که منجر به فرود اضطراری می‌شود. این برخورد غالباً باعث آسیب و نقص در عملکرد هواپیما می‌شود. یکی از مشهورترین مثال‌ها در این مورد پرواز ۱۵۲۹ هواپیمایی ایالات متحده است. بعد از برخورد چندین پرنده با موتور و از کار افتادن آن، خلبان مجبور به فرود اضطراری بر روی آب در رودخانه‌ی هادسون شد.

موقعیت‌های اورژانسی پزشکی: بر اساس آمار و گزارش‌ها، در حدود ۸۰ درصد از مواردی که منجر به فرود اضطراری شده از موقعیت‌های اورژانسی پزشکی

طرح نو؛ جعفر سامی نویخت
شاید تا بحال موارد زیادی شنیده باشید حاکی از اینکه هواپیمایی مجبور به فرود اضطراری شده است، یا افرادی که سفر هوایی در اولویتشان قرار داشته و خرید بلیط هواپیما ارزان چارتری برای آن‌ها امری رایج است حتی فرود اضطراری را تجربه کرده باشند. فرود اضطراری موضوعی است که گاه‌ا در سفرهای هوایی اتفاق می‌افتد. اما فرود اضطراری چیست و اصولاً بنا به چه دلایلی پیش می‌آید؟

فرود اضطراری چیست؟

فرود اضطراری (Emergency Landing) به فرودی انتخاب شده گفته می‌شود که به دلیل یک موقعیت اورژانسی نظیر یک تهدید حتمی و قریب الوقوع در مورد ایمنی و عملکرد هواپیما و یا نیاز فوری یکی از مسافران و یا خدمه‌ی پرواز به خروج سریع از هواپیما (غالباً به دلایل پزشکی) باشد. فرود اضطراری اساساً در نزدیک‌ترین و یا مناسب‌ترین فرودگاه که برج کنترل بر اساس نوع موقعیت اورژانسی انتخاب کرده انجام می‌شود.

انواع فرود اضطراری

فرود اجباری: در این حالت هواپیما به دلیل نقص فنی مجبور به فرود می‌شود. فرود در اسرع وقت اولویت محسوب می‌شود. از آن‌جایی که یک مشکل اساسی در سیستم اتفاق افتاده مکان فرود مهم نیست. این نوع از مشکلات اساساً به دلیل نقص و یا آسیب به بخش‌های حیاتی هواپیما نظیر موتور، سیستم هیدرولیک و یا ترمزهای فرود اتفاق می‌افتد. در این شرایط فرود می‌بایست بر روی یک باند انجام شود، در صورتی که هیچ باند پروازی وجود ندارد. لزوماً در این شرایط خلبان سعی می‌کند هواپیما را بر روی زمین نشاند و آسیب به مسافران را به حداقل برساند. این موضوع به معنی آن است که فرود اضطراری حتی زمانی که هواپیما هنوز هم قابل پرواز است ممکن است اتفاق افتد. این کار به دلیل جلوگیری از برخورد هواپیما با زمین و یا کوه انجام می‌شود.

فرود پیشگیرانه: این نوع از فرود اضطراری ممکن است به دلیل فرود برنامه ریزی شده در موقعیتی که اطلاعات کافی از آن موجود نیست، یا تغییرات غیرپیش بینی شده در طول پرواز و یا موقعیت‌هایی خاص و یا حتی اورژانسی اتفاق افتد. این موضوع ممکن است نتیجه‌ی مشکلاتی در خود هواپیما، موقعیت‌های اورژانسی پزشکی و یا موارد امنیتی باشد. هر چقدر زودتر خلبان مکان مناسب فرود را تشخیص دهد، احتمال بدتر شدن شرایط توسط آب و هوای بد، مشکلات فنی و یا دیگر عوامل کم‌تر خواهد شد. جهت تهیه بلیط هواپیما چارتر خود می‌توانید از طریق آس چارتر اقدام نمایید.

فرود بر روی آب: فرود بر روی آب دقیقاً همانند شرایط فرود اجباری است ولی تنها بر روی آب انجام می‌شود. اگر هواپیما برای شنآوری طراحی نشده باشد، ممکن است تنها چند ساعت بر روی آب شناور بماند (مدت شناوری بر روی آب به میزان آسیب بستگی دارد)

عوامل رایج در فرود اضطراری

شاید با شنیدن واژه‌ی فرود اضطراری، نقص فنی اولین عاملی باشد که به ذهن برسد، در صورتی که این چنین نیست. فرود اضطراری می‌تواند از موارد بسیار زیادی نشأت بگیرد که برخی از آن‌ها بسیار هم عجیب هستند. در ادامه به بررسی تعدادی از آنها می‌پردازیم و آنها را نام می‌بریم. شاید برای شما هم جالب باشد.

افت فشار هوای کابین: فشار هوای کابین به پروسه ای گفته می‌شود که هوای تصفیه شده و مطبوع به داخل کابین هواپیما پمپ شود. این کار به منظور ایجاد محیطی ایمن و راحت برای تنفس مسافران و خدمه‌ی پرواز در ارتفاعات بالا انجام می‌پذیرد. فشار هوای کابین در ارتفاع بیش از ۳ هزار متر از سطح دریا مورد نیاز می‌شود. از مهم‌ترین عوارض عدم فشار کافی هوا می‌توان به هیپوکسی، ارتفاع زدگی، DSC و باروتروما اشاره کرد. در صورتی که افت فشار هوا در کابین اتفاق افتد، خلبان غالباً شرایط اضطراری اعلام کرده و هواپیما را به زمین می‌نشانند.

نمی‌تواند همه شرایط را آماده کند. اگر به توضیحات ایمنی گوش بدهید، نه تنها جان خود، بلکه جان فرد دیگری را نیز می‌توانید نجات دهید.

۱- در جای خود بنشینید: اولین چیزی که مهمانداران هواپیما باید از آن مطمئن شوند، نشستن همه مسافران روی صندلی‌ها است. با نشستن روی صندلی‌ها، بستن کمربند و اطمینان از اینکه چمدان‌هایتان راهروی هواپیما را اشغال نکرده است، کار خدمه راحت‌تر می‌شود. وسایل سفر هنگام تخلیه نباید مانعی سر راه باشد.

۲- کودکان را نزدیک خود نگه دارید: اگر خانواده شما در جاهای مختلف هواپیما باشند، در صورت وجود زمان کافی، مهماندار هواپیما می‌تواند کمک کند تا آن‌ها برگردند. همیشه مراقب کودکان داخل هواپیما هستم و توجه خود را به آن‌ها اختصاص می‌دهم. بنابراین سعی می‌کنم که آنها را نزد خانواده‌شان بنشانم. اگر با کودکی سفر می‌کنید، او را روی پای خود بنشانید.

۳- توجه کنید: سرجای خود بمانید عبارتی است که مهمانداران بارها در وضعیت اضطراری هواپما تکرار می‌کنند؛ چرا که جابه‌جا شدن مسافران احتمال کمک مهمانداران به مسافران را کم می‌کند. مواردی را که خدمه پرواز می‌گویند، به دقت انجام دهید. از آنجایی که نحوه تخلیه کردن مسافران در شرایط گوناگون کمی متفاوت است، آگاهی از دست‌و‌ا‌عمل‌ها اهمیت زیادی دارد.

۴- در وضعیت صحیح قرار بگیرید: در فرود اضطراری از مسافران درخواست می‌شود سرشان را بین پاهای خود قرار دهند. این کار باعث می‌شود تا مسافران در کابین جابجا نشوند، علاوه بر این هنگام برخورد نیز صدمات احتمالی کاهش می‌یابد.

۵- کفشهای پاشنه بلند را دربیارید: کفش‌های پاشنه بلند، لباس‌های اضافی و لوازم دست و پاگیر را که می‌تواند مانعی جدی برای خروج از هواپیما باشد، در بیارید. با همراه داشتن این اقلام در زمان تخلیه، ممکن است خود یا دیگران را به زمین بیاندازید.

۶- ماسک های اکسیژن فقط در صورت لزوم پخش می‌شوند: ماسک‌های اکسیژن صورتی برنامه‌ریزی شده‌اند که در ارتفاع بیشتر از ۱۰،۰۰۰ پایی پخش شوند؛ هر چند که خدمه پرواز در صورت لزوم می‌توانند به صورت دستی آن‌ها را پخش کنند. اگر شما ماسک‌های اکسژن را نمی‌بینید، پس احتمالاً به آن‌ها احتیاج ندارید.

۷- همکاری کنید: مسافران وحشت‌زده را آرام کنید و مکرر از خدمه هواپیما سوال نپرسید. آن‌ها فقط اطلاعات دریاقتی از اتاق خلبان را انتقال می‌دهند و اذیت کردنشان مشکلات را بیشتر می‌کند.

۸- آرام باشید: اکثر مردم نمی‌دانند که هواپیما چگونه پرواز می‌کند. بنابراین ممکن است تصور کنند که هواپیما در حال سقوط است؛ تصویری که در ۹۹.۹ درصد مواقع غلط است.

۹- در هنگام خروج صبر داشته باشید: درست مانند تمام فرودها، شما باید تا لحظه‌ای که مهمانداران هواپیما اعلام نکرده‌اند، صبر کنید و از جای خود بلند نشوید. بلند شدن و هل دادن جمعیت به سمت در، هیچ کمکی نخواهد کرد.

۱۰- جلیقه نجات دیگران را برندارید: جلیقه نجات شما، زیر صندلی خودتان قرار دارد، نه صندلی جلو. جلیقه نجات را از زیر صندلی‌تان پیدا کنید، ببوشید، بندهای آن را محکم کنید و منتظر راهنمایی خدمه باشید. باد کردن جلیقه‌ها در داخل هواپیما ممکن است باعث اختلال در هنگام خروج شود.

۱۱- کيفتان را رها کنید: در هنگام خروج از هواپیما، اصرار خدمه برای گرفتن وسایل شما قابل درک است. شولترز خاطرنشان می‌کند که اولیت اول ما حفظ جان شما است؛ نه سالم نگه‌داشتن لپ‌تاپ‌تان. کفش‌ها و باقی وسایل را رها کنید. در وضعیت اضطراری ممکن است هر وسیله جایی آتش بگیرد یا هر اتفاق دیگری بیافتد. فقط خارج شوید.